

راه توده

نشریه ماهیانه حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۳ خرداد ۱۳۶۲ مطابق ۱۹ آبان
۱۶۰۳ و ۳ و ۲۰۳
سال اول، شماره ۳۲
قیمت: ۱۰۰ ریال

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

مسلمانان مبارز!

نیروهایی صادق دگراند سرانستند پیش!
کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهر و ده، روشنفکران انقلابی، زنان و مردان میهن دوست!
روی سخن ما با شماست!

باری گردانند تسلیم طلبان و ماشائگران از اهداف اولیه انقلاب و پشت کردن به منافع زحمتکشان شهر و دولا به
های پائینی ائتلاف متوسط و روشنفکران انقلابی، کودتای خورنده ضد انقلاب و راستگرایان با موفقیت های
چشمگیری روبرو شده و به مواضع تعیین کنند مای در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دست یافته است. وضع جدیدی بوجود
آمده که وظایف جدید و مبرمی را در مقابل انقلاب و انقلابیون راستین قرار می دهد. در صورت پیروزی نهایی
کودتای خورنده در میهن ما، یک دوران آریامبری "اسلامی" با فشاری دو چندان ایجاد خواهد نمود.
باید هرچه سریعتر به این روند جنایتکارانه، ایست داد و آن را باز پس برانند.

بقیه در صفحه ۴

بیانیه مطبوعاتی حزب کمونیست عراق

افراد جلال طالبانی و مزدوران حزب بعث
به مقر سرفرمانده هی و مواضع نظامی نیروهای حزب
کمونیست عراق حمله نمودند. این حمله بزدلانه
بد نبال بمباران شدید مواضع حزب توسط مزدور
ان بعثی صورت گرفت. پارتیزانهای حزب تهر-
مانانه در مقابل این تجاوز جنگیدند، اگرچه از
نظر تعداد نفرات خیلی کمتر از حمله کنندگان
بودند. گزارشهای رسیده حاکی از آن است که
دهها نفر خصوصا پارتیزانهای زن و کودکان در
این جنایت از بین رفته اند. از آنجائی که مزدوران
حتی به زخمی ها هم رحم نکردند.
جبهه دمکراتیک و میهنی عراق در اعلامیه
خود شدیداً این حمله وحشیانه را محکوم نموده
بقیه در صفحه ۱۶

روز اول ماه مه ۱۹۸۲ دستا جلال طالبانی
(اتحادیه میهنی کردستان) با همکاری نیرو -
های فاشیستی حزب بعث عراق، حمله مسلحانه
وسعی را علیه مواضع حزب کمونیست عراق در کر-
دستان عراق آغاز کردند.
جبهه دمکراتیک میهنی عراق در اعلامیه
خود در این مورد اعلام کرد که حزب کمونیست
و دیگر نیروهای متحد میهنی کرده سختی این
خائنین و همکاران رژیم فاشیستی را تشییع خواهند
کرد. بد نبال چندین دیدار و رفت و آمد بیسن
گروهک جلال طالبانی و نمایندگان رژیم فاشیستی
که در روزنامه های جهان انعکاس یافت (تایمز
۱۴ آوریل ۱۹۸۲)، در اول ماه مه ۱۹۸۲ از
یک نیروی عظیم (بیش از دو هزار نفر) از

این شیوه نا جوانمردانه علامت ضعف است!

این روزها که در ایران سنگ ها را پستتاند
و سنگ ها را باز گذاشتند، روزنامه ای نیست که
علیه حزب توده، ایسران، حزب طبقه کارگر
ایران ننویسد، رادیوئی نیست که به ایسن وظیفه
" مقدس " خود عمل نکند و " سخنوری نیست،
که در این باره داد سخن نراند! هیچ زمینهای
را برای نوشتن و گفتن علیه حزب ما فراموش نمی-
کنند. عریده می کشند و فحاشی می کنند و برخورد
" جدی " ! هم کف برلب آمده نوحه سرانستی
می کنند و هم با نقل قول از کتابها و نشریات حزب
ما به " رد " نظریات و یا " افشا " نظریات
ما می پردازند! وجه خود را در این هنرنمایی-
های " شاه " آنه مطمئن و پیروز می پندارند!
ولی نه مردم به شما باور ندارند، مردم هرروز
بیشتر به وعده شکنی شما، به نا جوانمردی شما
به ضعف شما پی می برند!
می پرسید، چسرا ؟
پاسخ روشن است!

مردم می پرسند، شما که اینقدر به حرفهای خود
باور دارید و نظریات حزب توده، ایسران را
غیرصادقانه و مزورانه می دانستید، پس چسرا
آنوقت که حزب توده، ایسران امکان پاسخ
داشت در مورد آن توطئه سکوت را برقرار کردید؟
چرا آن روزها که حزب توده، ایسران از زمین
د بیر اولش در مناظره تلویزیونی با شهید
یهشتی پیشنهاد برگزاری یک دادگاه و بررسی
بقیه در صفحه ۲

موج پشتیبانی بین المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد

" شکنجه زندانیان سیاسی در ایران " به تشریح
موقعیت سیاسی حالتهای حکومت چ ۱۰۱۰ و وضع
وخیم زندانیان تودمادی پرداخته و می نویسد:
" آنهایی که جانشان بر اثر شکنجه های
وحشتناک اصال شده، در معرض خطر مرگ قرار
گرفته است، به اماکن نامعلومی منتقل میشوند. و
در این اماکن نیز بطور سیستماتیک شکنجه ها
ادامه دارد. یکی از متدهای جاری شکنجه،
قرار دادن سربوای زندانی درون لاستیک ما-
شین، برای چندین ساعت متوالی می باشد. بسیاری
از زندانیانی که این نوع شکنجه در مورد آنان
اصال شده، دچار اختلال حواس گردیده و به
نقاطی که مخصوص نگهداری بیماران روانی می-
باشد، منتقل شده اند "

گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی
و دمکراتیک در سراسر جهان با حزب توده
ایران و دفاع از زندانیان در بند و تلاش برای
حفظ جان آنها، که تا بحال بشکل اعزام هیئت
و درخواست از دولت جمهوری اسلامی برای سفر
به ایران بعنوان ناظرین بیطرف جهت ملاقات
با زندانیان تودمادی و شرکت در دادگاههای
ظنی این رفتار، به سفارتخانه های ایران در کشور
های گوناگون و ارسال نامه به مقامات جمهوری
اسلامی و درخواست آزادی فوری و بلا تئید و شرط
این میهن پرستان ابعاد تازه ای به خود گرفته
است.

● روزنامه " اومانیت " ارگان حزب کمونیست فرانسه
بتاریخ ۱۳ ماه مه در مقاله ای تحت عنوان

بقیه در صفحه ۳

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

این شیوه‌نا جوانمردانه علامت ضعف است!

بقیه از صفحه ۱

فعالیت حزب توده ایران را کرده، تن نداید؟
چرا دستهای از شما قانون شکنانه یورش به دفتر حزب توده ایران را سازمان دادید و دست دیگر، مماشاکرانه قانون شکنی را تحمل کردید؟ چرا؟ چرا؟ چرا شما که مدعی هستید منطق دارید، حاضر نشدید با حزب توده ایران، آنوقت که فقط سگ‌ها آزاد نبودند به جدل فکری در روزنامه‌هایتان و سخنراکنی‌هایتان بپردازید؟ مردم پاسخ سؤالیهای خود را هم گرفتارند، از اعمال شما، از ناجوانمردی‌ها و وعده شکنی -

هایتان:
شما تسلیم شدگان به راستگرایان و ضدانقلاب، به خودتان و حرقان مطعن‌نیتید!

اکنون هم از اعتقاد بنفس محرومید! در غیر این صورت از زبان دادستان کل انقلاب نمی‌گفتید که: محاکمه بعضی‌ها علنی و بعضی‌ها مخفی انجام خواهد شد و یا اگر خود آنها خواستار جلسه غیر علنی شوند، دادگاه غیر علنی خواهد بود. (روزنامه‌ها ۶۲/۲/۲۹) تا دستتان بسرای نابود کردن قربانیانتان باز باشد.
شما ناجوانمردانه و جنایتکارانه با شکنجه -

های روانی و جسمی و خوراندن داروهای ساختو پرداخته لابرانوارهای "سیا" و اینتلینجنت سرویس و موساد و بدست فرد و مستهای ساواکی به خیال خود "اعترافات" گرفتارستان ناپاک خود را تطهیر کنید و مردم را تحقیر و بسی بنابه گفته رئیس سپاه پاسداران این شمره شکنجه‌تان، که با بی‌اعتدای مردم روبرو شده است. تنها "دلایل" شما علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضا و هواداران آن از آب درآمد. شما ناجوانمردانه و مزورانه بخشی از رهبران و اعضا و فعالین حزب توده ایران را سر-به نیست کردید و نجش آنها را همانند ترسان شاه به دریاچه نمک قم انداختید. و با از آنها وحشت دارید، تا در یک دادگاه علنی و با حضور ناظران بین‌المللی مشت شما، جنایت‌ها و خیانتتان را به انقلاب افشا کنند!

آری این است، طعنت ضعیف شما:
ته اعتدال به نظر دارید و ته مدرك دادگاه هستید! در غیر این صورت چرا به گروه‌های پزشکی و حقوق دانان بی‌طرفی که آمادگی خود را برای مسافرت به ایران و ملاقات با زندانیان اعلام کرد مانند اجازه مسافرت به ایران که خواست قانونی کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای و دمکرات-های ایرانی نیز است، نمی‌دهید؟

چرا شما که هر روز خبرنگاران را برای نشان دادن نتایج جنایات رژیم صدام دعوت می‌کنید، از بازدید جنایات خود توسط همین خبرنگاران وحشت دارید؟
چرا قانون را اجرا نمی‌کنید؟ چرا اسامی زندانیان را اعلام نمی‌کنید؟ چرا دادگاه علنی و قانونی با حضور ناظران بیطرف بین‌المللی را برای همه زندانیان برگزار نمی‌کنید؟ این سؤالات را مردم از شما دارند و پاسخ مثبت ندادنتان را به آنها علامت ضعف و دلیل شیوه جنایتکارانه شما می‌دانند!

این شیوه جنایتکارانه شما، ما توده‌ای‌ها را هر روز بیشتر به عمق حقانیت و صداقت حزبمان آشنا تر و معتقدتر می‌سازد. هجوم اخیر رسبه حزب توده ایران در صفوف هواداران و پیروان اصیل سوسیالیسم علمی، نه تنها کوچکترین ضعف و تفتنی را آنگونه که دشمنان آرزو دارند - پدید نیاورده است، بلکه به جرأت می‌توان گفت که ایمان، پایمردی و شورا انقلابی هر توده‌ای چند برابری شده است. ارسال نامه‌ها، اشعار، نقاشی‌ها، مقالات متعدد توسط رفقا و هواداران دور و نزدیک حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران به ما، بیان این واقعیت و نشانه حقانیت حزب و پیروزی نهایی آن و راهش است!

مه فشانند نور و سگ عمو عو کنند.

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (سازمانهای خارج از کشور)

هان عدالت اجتماعی، آغاز کرده‌اند. هدف اینست که دستاورد های انقلاب بهمین را نابود کنند و ایران را از نو برای امپریالیسم بین‌المللی به "جزیره ثبات" بدل کنند.

عمل نکردن به مواد مصرحه در قانون اساسی و شروع زمره تغییر بخشهایی از آن که می توانست تا حدود زیادی به تأمین استقلال کشور و آزادی های دمکراتیک کمک نماید، حمله به دستاورد های انقلاب، با بازگرداندن زمینهای تقسیم شده به فئودالها و زمینداران بزرگ، آغاز بازگرداندن کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ملی و مصادره شده به سرمایه دارانی که پس از پیروزی انقلاب به خارج گریخته بودند، لگد مال کردن تمام حقوق انسانی، از جمله حق کار، بهداشت و تأمین اجتماعی و مهمتر، برخورد رسبه زنان کشور بمشابه انسانهای درجه دوم که آنها را از شرکت در تعیین سرنوشت و تصمیم گیری در باره "شیوه" زندگی خود محروم میسازد، با حمله وسیع و سراسری به تمام سازمانهای دمکراتیک از جمله تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و بساز - داشت تعداد زیادی از رهبران و فعالین آن به مرحله حساسی رسیده است.

ما این اعمال غیر انسانی را که تا کنون در هیچ جای دنیا نظیرش دیده نشده است، شدیداً محکوم نموده و خواستار اجازه دیدار هیئت بیطرف بین‌المللی پزشکی و حقوقی از زندانیان نهی ایران، بمنظور روشن شدن حقایق وحشتناکی هستیم که در سیاه چال های جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران سازمانهای خارج از کشور ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۲

بیش از سه ماه از دستگیری مریم فرمانروایان (فیروز)، مسئول کل تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و همچنین عده زیادی از فعالین تشکیلات زنان و گروهی از شخصیت های برجسته انقلابی و وطن پرست کشور مای گذرد. خبرهای ناگواری که از ایران می رسد، حاکی از اعمال انواع شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطایی و مدرن علیه بازداشت شدگان می باشد. در ایران یشتد تا شایع شده، که بانو مریم فرمانروایان بر اثر شکنجه های وحشیانه جان خود را از دست داده است. ولی بحالت سکسوت مطلق زندانیان در برابر اقوام زندانیان امکان تأیید و یا تکذیب آن وجود ندارد. هنگام دستگیری، تمام اعضای خانواده ها را همسراه میبرند و حتی کودکان خردسال نیز از انفصال بریزمناشه این مأموران جهل و ارتجاع در امان نمی مانند. زنان زندانی به مقابله غنیمت جنگی مورد تجاوز و وحشیانه شکنجه گران قرار میگیرند و وضع جسمی و روحی برخی از آنان بسیار وخیم است. بسیاری از آنان، بر اثر زخمهای ناشی از شکنجه های وحشیانه و اعمال حیوانی، نیاز مبرم به معالجه دارند ولی زندانیان به این امر بی اعتنائی می کنند.

زندانیان هیچ رابطهای با دنیای خارج ندارند و به بستگان نشان حتی نمی گویند که آنها در کجا و تحت چه شرایطی زندانی هستند. نیروهای راستگرا، ارتجاعی، و ضد انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهاد های کشوری، هجوم وسیعی را علیه همه نیروهای مترقی و دمکرات و بخصوص حزب توده ایران، عمدترین پاسدار آزادی و استقلال کشور و خوا-

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

موج پشتیبانی بین المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد

بقیه از صفحه ۱

فراخوان برای نجات جان زندانیان توده‌ای

در هفته نامه فدائین حزب کمونیست فرانسه در تولهز، باسم "نول" بتاريخ ۵ ماه مه، فراخوانی با امضای چهل تن از روشنفکران فرانسوی بمنظور نجات جان زندانیان توده ای درج شده است. در این فراخوان ضمن توضیح مسأله دستگیری و شکنجه این مبارزین، از کلیه مردم آزاد یخواه فرانسه دعوت بعمل آمده است، طبع این اعمال بربرمنشانه، دست به اقدام سریع بزنند. در همین شماره از هفته نامه "نول" خبر شکنجه دبیر اول حزب توده ایران، رفیق نورالدین کیانوری همراه با عسوی و نیز شکنجه‌های وارده به سایر رهبران و اعضای حزب بچاپ رسیده و درباره "اعترافات" و نحوه بدست آمدن آنها توضیح داده شده و سپس از کلیه مردم ترقیخواه فرانسه خواسته شده است، با اقدامات سریع خود علیه این اعمال وحشیانه و نجات جان رفقای زندانی از خطر مرگ بگریزند.

در تاریخ ۱۳ ماه مه، هیاتی به نمایندگی از طرف وکلای کمونیست مجلس ملی فرانسه و مجلس سناي آن کشور، متشکل از روبرت مین و اریژان ماری کلود بود و ژان گارسیا، با مراجعه به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس اعتراض نامه‌ای در مورد سرکوب کمونیستها در ایران، تسلیم سفیر ایران نمود. در این نامه تاکید شده است، که وکلای کمونیست فرانسه، ضمن محکوم کردن این اعمال، به اقدامات خود جهت نجات دادن کمونیستها و سایر دمکراتهایی که همه چیز خود را در راه انقلاب فدا کرده اند ادامه خواهند داد.

بازداشت و شکنجه رهبران حزب توده ایران، به مثابه پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم ایران

نماینده انجمن شهرداری شهر گراتس و نماینده کارخانه بویچی از کارخانجات معروف اتریش، طی ارسال تلگرافی به مجلس شورای اسلامی، به دستگیری و شکنجه رهبران و فعالین حزب توده ایران شدیداً اعتراض نمودند.

انجمن هواداران دوستی میان خلقهای ایران و اتریش، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران را نتیجه مستقیم نفسود

نیروهای راست در حاکمیت که خواستار سسوق مجدد ایران به زیر سلطه امپریالیسم می باشند، میدانند. این انجمن، در نامه‌ای که بدین مناسبت به سفارت ج ۱۰۱۰ در وین ارسال کرده می نویسد:

" این بازداشت‌های خود سرانه و اعمال فشارها، پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم بیکار چوبی ایران و نشانه عقب نشینی در مقابل دشمنان انقلاب و بعقب برگرداندن مسیر آن است."

در نامه سپس بخصوص بدستگیری رفیق



احسان طبری و محبوبیتی که وی در میان مردم اتریش دارد، اشاره شده و آزادی فوری وی و نیز سایر مبارزین توده‌ای خواستار شده است. در پایان، تشکیل هیاتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت اعزام به ایران، بمنظور بررسی وضع زندانیان اعلام و تصریح شده است که مخسار ج سفر و اقامت اعضای هیات در ایران نیز تأمین شده است.

دبیر خانه کشور سازمان امداد مردمی فرانسه، مراتب نگرانی و تأسف خود را از پایست

اعمال فشار و تقطیش عقاید و اعمال خلاف حقوق بشر در ایران، به مقامات مسئول ایران، ابراز نمودند.

دبیر خانه کشور جنیش جوانان کمونیست فرانسه، طی ارسال تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس، به دستگیری و شکنجه کمونیستهای ایران شدیداً اعتراض نمود.

حاکمیت کنونی ایران

افرادی را به غل و زنجیر کشیدند که در جهان به حامیان

زحمتکشان میهنشان معروفند

کمیته مرکزی حزب کارگری بنگلادش، در نامه ای خطاب به دولت جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۵ ماه مه، پس از ابراز همبستگی با انقلاب مردمی و برشردن نقش تاریخی حزب توده ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی و سپس سرنگونی شاه، از اینکه رهبران و اعضای این حزب، این مدافعین راستین انقلاب به زندان افکنده شده و تحت شکنجه‌اند نگرانی خود را ابراز داشته، می نویسد: "مردم ماکه همواره با علاقه خاصی رویدادهای انقلاب ایران را دنبال کرده و مبارزه مردم ایران بر علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن مشترک خلقهای جهان را ستودند، از درک علت دستگیری مبارزین حزب توده ایران عاجز مانده اند، زیرا که به سبب شایسته این حزب و فدائگاری‌های اعضا، آن در پیشبرد انقلاب ایران کاملاً واقفند. ما همگی، خواستار آزادی فوری اعضا، و رفع تهمین از حزب هستیم."

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، بیانه‌ای بتاريخ نهم ماه مه، در زمینه اعمال فشار و تضییق در مورد حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب انتشار داده است. بیانه ضمن بررسی تاریخچه مبارزاتی حزب در دوران دیکتاتوری شاه و نقش آن در سرنگونی رژیم ترور و خفقان پهلوی و سپس در پیروزی انقلاب و شهدائی که در این راه طولانی و پسر فراز و نشیب، بخاطر بدست آوردن استقلال و آزادی مردم ایران نثار نموده است، پرداخته و مقام ولایتی را که حزب در میان مردم ایران ودوستانداران انقلاب ایران در جهان کسب کرده است، ناشی از استقامت و پایداری سازش ناپذیری اعضای آن در مقابل امپریالیسم و ارتجاع میداند. بیانه سپس تصریح می کند: "خبر بدستگیری و شکنجه‌های وحشیانه مبارزین جانپناز و صدیق انقلاب ایران، همه دوستانداران این انقلاب را در نگرانی عمیقی فرو برده است."

بقیه در صفحه ۱۰

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

بقیه از صفحه ۱۱

کمیته برون مرزی حزب توده ایران
حزب طبقه کارگر ایران با این ارزیابی همه نیروهای راستین انقلابی را به تشکیل جبهه متحد خلق فرا می خواند!

ترکیب نیروها در حاکمیت

با موضعگیری های روشن عناصر درجه اول در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته: «تحریم» هر نوع انتقاد حتی توسط نمایندگان مجلس، با تهدید به سرکوب همه کسانی که کلمه «مستضعف» و «دفاع از مستضعف» را بر زبان آورند و اعلام این «جرم» به مثابه «تقصیر کفایت در ایران» نشان می دهد که عناصر تسلیم طلب که مرحله عقب نشینی قدم به قدم خود را در راه اجرای اصلاحات بنیستادی اقتصادی - اجتماعی پشت سر گذاشته اند و از اجرای اصلاحات ارضی انقلابی، اجرای قانون بازرگانی خارجی دولتی، تأمین و بهبود زندگی زحمتکشان و تحقق عدالت اجتماعی صرف نظر کرده اند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که خود روزی تدوین کننده و تصویب کننده آن بودند قربانی مباحثات و عقب نشینی خود ساختند، اکنون به تسلیم کامل به ضد انقلاب و راستگرایان تن در داده و بی برای نجات جان و مقام خود چهل اسبه علیه همان خواستهای و تمهیداتی می تازند که خود روزی آنها را در مقابل خلق مطرح ساختند و از این راه رهبری خلق را بدست گرفتند!

تسلیم طلبانی که امروز دفاع از «مستضعفان» را «جرم» می شناسند و آنرا کلمه به چپی ها... تودهای ها... و شوروی اعلام می کنند، خود روزی توسط رسانه های امپریالیستی و ضد انقلاب در معرض همین اتهام قرار داشتند. این تسلیم طلبان امروزی که آن روزها می توانستند با کمک گرفتن از توان انقلابی زحمتکشان شهر و روستا و تمام نیروهای ضد امپریالیست و آزاد پخواه و میهن دوست، انقلاب را به پیش برانند، بسا وحشت از توده انقلابی و از تعمیق انقلاب جاسازند و عقب نشستند و اکنون برای نجات جان و مقام خود به طور کامل تسلیم راستگرایان شده اند. از این روی می توان در وضع جدید ایجاد شده ترکیب نیروها را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور عمده ترکیبی از راستگرایان و تسلیم طلبان دانست. ضد انقلاب در پوشش راستگرایان بر عهده ترین مواضع حاکمیت جمهوری مسلط شده است و بدیهی است که هدف غرض حاکمیت مطلق خود و بازگرداندن کامل گذشته با تمام وابستگی های سیاسی -

اقتصادی - اجتماعی - نظامی - فرهنگی - امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. برخی مسلمانان راستین که هنوز هم در سطوح مختلف حاکمیت و نهاد حاضر دارند، بسا توجه به فشاری که بر روی آنها اعمال می شود، به تنهایی و به ویژه بدون یک سازمان واحد و متشکل، قادر نیستند برای نجات دستاوردهای انقلابی، نقش تعیین کننده ای از خود ایفا نمایند.

هدف ضد انقلاب:

سرکوب سازمانها و نیروهای مدافع انقلاب

تدارک سرکوب بد مشانه حزب توده ایران (دستگیری بخشی از رهبری و چندین هزار نفر از اعضا و فعالین آن) که برنامه اعلام شده ضد انقلاب و راستگرایان و تسلیم طلبان است و در این راه هر وسیله ای راه حسی سپاهترین آنها را که تنگ ابدی در مقابل انسانهای شریف تر پیشانی آنها زده است، مجاز می دانند، به این منظور انجام می شود تا انقلاب را از داشتن هر رهبری، که با پایبندی خود به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، قادر باشد سکان پیشرفت و تعمیق انقلاب را در دست گیرد، محروم سازند! آغاز یورش به مسلمانان مبارزی که با شناخت درد روز افزون خلق، بسا شناخت این واقعیت که در جمهوری اسلامی ایران، مستضعف، مستضعفتر شده است و مستغنی مستغنیتر نیز درست به همین منظور انجسام می شود، که انقلاب را از رهبری توسط مسلمانان مبارزی، که به اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب و به تعهدات مکرر خود در مقابل خلق پایبندند، محروم سازند!

به عبارت دیگر، هدف ضد انقلاب راستگرایان و تسلیم طلبان، سرکوب احزاب و سازمانهای مدافع اهداف انقلاب و جلوگیری از ایجاد سازمانهای ضد امپریالیستی و مدافع منافع خلق است. هدف، سرکوب و خاموش کردن تمام عناصر مسلمان مبارز و ضد امپریالیست است!

آری هدف «بی سر» و بی سازمان کسوف انقلاب است!

اگر ضد انقلاب - راستگرایان و تسلیم طلبان قادر شوند تمام سازمانهای موجود انقلابی و در رأس آن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را سرکوب کنند و نیروهای مسلمان مبارز راستین را منکوب آنوقت دستشان برای راندن توان انقلابی خلق به راست باز می شود. آنوقت ضد انقلاب و راستگرایان و تسلیم طلبان می -

توانند خلق انقلابی «بی سر» را مطیع امیال خائنانه و ضد انقلابی و ضد ملی خود سازند و او را به قبول مجدد حلقه بندگی امپریالیسم وا دارند. آنها در چنین صورتی قادر خواهند شد گذشته آریامیری را با لباس «مذ - هیبی» و «اسلامی» و با چهره های براتسب میوس تر و خشن تر از انواع پاکستانی، ترکیه ای و عربستان آن به میهن ما تحمیل کنند و با تئیدیل هر چه بیشتر ایران به جولا نگاه غارتگران امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، جمهوری نهایی مسارا نیز به خدمت اهداف امپریالیسم آمریکا در منطقه - برای سرکوب جنبش های آزاد بخش عرب و غیر عرب - و در جهان - در خدمت سیاست کمون - نیسم ستیزی و صلح ستیزی - در آورند.

باید به این سیاست ضد انقلابی و ضد ایرانی، که زیر میز راستگرایان به دست تسلیم طلبان اصلاح می شود، است داد!

باید به این سیاست مهلک برای انقلاب را افسا کرد و آنرا خشتی ساخت!

زنان و مردان ایران!
کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنگران انقلابی!

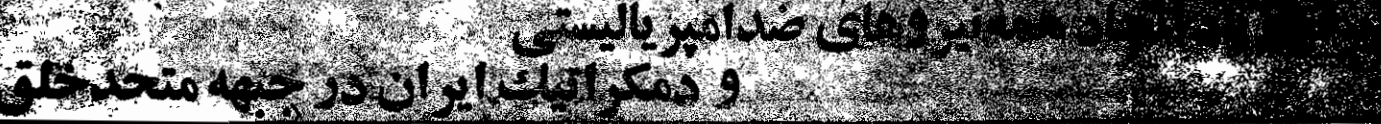
مسلمانان مبارز!
مدافعان اسلام حامی محرومان!

مدافعان واقعی سوسیالیسم علمی!
میهن دوستان مخالف امپریالیسم و فاشیسم!
دست دومی و اتحادی را که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بسویتان دراز می کند، بشمارند!

جبهه متحد خلق تنها راه سرکوب ضد انقلاب

یکی از عمده ترین موفقیت های ضد انقلاب در طول چهار سال گذشته آن بود، که توانست از تشکیل یک سازمان در برکنده همه انقلابیون راستین جلوگیری کند، که توانست مانع از ایجاد یک سازمان خلقی توسط مسلمانان مبارز گردد!
بدون یک سازمان متشکل و با برنامه مشخص نمی توان اهداف انقلابی را به پیش برد. باید این ضعف انقلاب را هر چه زودتر برطرف ساخت مسلمانان مبارز حامی محرومان باید دارای سازمانی متشکل خود باشند. انقلاب باید از قدرت سازمانهای متشکل برخوردار باشد!
بدون تشکیل جبهه متحد خلق، که در آن همه انقلابیون، عامز مسلمان و دیگرانند، پیش صرف نظر از اعتقادات مذ هیب واید تئولوژیک، به دور

بقیه در صفحه ۱۱



«دخالت مداوم، دکترین سیاست خارجی آمریکا»

چندی پیش روزنامه آمریکائی "نیویورک تایمز" سند محرمانه شورای امنیت ایالات متحده آمریکا را منتشر ساخت. در این سند آمده است که دولت آمریکا یک میلیارد دلار بودجه به کبکهای اقتصادی و نظامی تخصیص خواهد داد تا برای تأمین "امنیت جمعی" و "تقویت بنیه سیاسی دولتها" تحت رهبری آمریکا بکار رود.

سیاست مداخله گرانه آمریکا در امور داخلی کشورهای آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب، همان قدر قدمت دارد که خود امپریالیسم آمریکا.

آمریکائیها که در اواسط قرن نوزدهم قسمتی از خاک مکزیک را تصاحب کرده بودند بدین خاطر در جنگ علیه اسپانیائیهای استعمارگر در پورتوریکو و کوبا شرکت کردند که جای آنها را بگیرند. چند یمد نیز تمام منطقه کانال پاناما را تحت تسلط خود در آوردند.

تئودور روزولت رئیس جمهور آمریکا، بانی سیاست "چماق بزرگ" است که با اعمال آن میبایست تمام خلفهای منطقه تحت سلطه آمریکا در آیند. بسا دیپلماتی "قایق توپدار" تمام قیامها و حرکات ضد آمریکائی در نیم کره غربی سرکوب شد. سرسبزایان آمریکائی منطقه دریای کارائیب را برای صدور سرقا غارت مواد خام و انتقال سود انحصارهای آمریکائی "مطمئن" میساختند. هیچکدام از کشورها منطقه که از استقلال صوری برخوردار بودند از این سیاست مداخله گرانه آمریکائیها در امان نماندند.

با وجود اینکه هدف امپریالیسم همواره ثابتمانده اما شیوه برخوردشان، تغییرات گوناگونی به خود دید است. یکی از علل عمده این تغییر، کاهش شعاع عمل امپریالیسم در نتیجه تحول عمیق در تناسب بین المللی و منطقهای قواست. پیشروی سوسیالیسم جهانی و پیروزی انقلاب کوبا بشناهی جزئی از این روند باعث بوجود آمدن شرایط کفایتا نوبنی حتی در نیم کره غربی شد. انقلاب مردمی ساندینیستها در نیکاراگوئه یکی از پایههای تسلط امپریالیسم در منطقه را تخریب کرد. مبارزه علیه رژیمهای دیکتاتوری دست نشانده آمریکا در السالوادور و گواتمالا شکل مسلحانه بخود گرفت. امپریالیسم که از لحاظ تاریخی در این منطقه نیز به عقب نشینی وادار شد تلاش میکند تا با اعمال خود ورق را بمود خویش برگرداند.

پنتاگون و سیا میکوشند تا در ادامه سیاست سرکوب خود، چنانکه در گواتمالا (۱۹۵۴) و سانتا دومینگو (۱۹۶۵) انجام دادند، حکومت انقلابی در نیکاراگوئه را ساقط سازند، به محاصره کوبا ادامه دهند و جنبشهای آزادیبخش منطقه را نابود کنند. آمریکا برای رسیدن به این هدف از دست زدن به هیچ شیوهی ایا ندارد. قدرت نمائی نظامی جزو این شیوه هاست. آمریکائیها ادعا میکنند که ۲۳ میلیارد آمریکائی مورد تهدید ۲۵ میلیون نیکاراگوئه ای قرار گرفته اند. اما خود مانورهای متعدد در منطقه را میباید از دستا کوبا و نیکاراگوئه را مرعوب سازند. عملیات نظامی آمریکا را میتوان در تمام کشورها ی دست نشانده منطقه مشاهده کرد.

سیاست دیگری که آمریکا از آن استفاده میکند اعمال تضییقات اقتصادی است. آمریکا از خود دارای ز صدور گندم به کوبا آغاز کرد و به تدریج مطلقا این کشور رسید. با نیکاراگوئه نیز همین سیاست را آغاز کرده است. دولت آمریکا اعلام کرده که دیگر از این کشور شکر وارد نخواهد کرد.

فشار نظامی و تضییقات اقتصادی، مکمل سومی نیز دارد و آن تهاجم ایدئولوژیک تبلیغاتی است. تئوریهای متعددی تدوین میگردد تا سیاست تجاوز

المللی است. این سیاست در ایجاد ۵۰۰ پایگاه نظامی که اتحاد شوروی را محاصره کرده اند و یادار تصمیم ناتو مبنی بر استقرار نوسکهای میانبردهسته ای در اروپای غربی نمایان میگردد. اما با تمام تجاوزگری محافل مجتمع نظامی صنعتی آمریکا، یک چیز را نباید فراموش کرد: در این آنکه تمام حسابهای طراحان امپریالیسم چیز است و واقعیات موجود در جهان چیز دیگر. امروز مسیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم حتی در میان مردم خود



آمریکا نیز با مخالفت گسترده برخورد میکند. عدمای از نمایندگان کنگره آمریکا در مخالفت با فعالیتهای "سیا" در آمریکای مرکزی به حق نوشته بودند که ما معتقدیم که حمایت از ضد انقلاب در نیکاراگوئه عاقلانه نیست. چه این مسئله نه مورد حمایت افکار عمومی آمریکا قرار خواهد گرفت و نه مردم آمریکائی لاتین. "باید افزود که در تمام تهاجم واقعیات جهان امروز چیز دیگری جز از آن چیز نیست که در مخیله ریگان و امثالش میگردد.

گرانه آمریکا را در منطقه توجیه نمایند. آمریکای مرکزی به عنوان "مرز چهارم" آمریکا تلقی میشود و یا اینکه از دکترین معروف ترو من استفاده میشود که طبق آن "آمریکای مرکزی انقدر به خاک آمریکا نزدیک است که آن کشور نمیتواند وجود رژیمهای راکمورد علاقش نیستند تحمل کند". البته سیاست تجاوزکارانه آمریکا در آمریکای مرکزی بخشی از سیاست عمومی امپریالیسم در جهان برای مقابله با سوسیالیسم جهانی و افزایش تشنجات بین

آیا "خط امام" هنوز وجود دارد؟

و محروم بود، خواست های عینی ای بود ند که از تضاد خلق از یکسو با امپریالیسم، به سیرکردگی امپریالیسم آمریکا و از سوی دیگر رژیم خفگان شاه نشأت گرفته بودند. لذا این خواست های عینی و واقعی، نتیجه مشخص تضاد عهد موبرم خلق با دشمنان طبقاتی خارجی و داخلی در این مرحله از انقلاب آزاد بیخشم میهن ما است. به عبارت دیگر این تضاد و خواسته های برآمده از آن عینیست خط مردمی انقلاب، محتوی و دهد. در این "عینیت" کوچکترین تغییری حاصل نشده است، زیرا اهداف انقلاب هنوز تحقق نیافته اند: نه استقلال واقعی و همه جانبه جمهوری نوپای ما تأمین شده است، نه خفقان و دیکتاتوری که اکنون توسط کلان سر- مایه داران و بزرگ مالکان از نوع دیگر و دلباسی دیگر و به دست ضد انقلاب، راستگرایان و تسلیم طلبان اعمال می شود - بر طرف شده است و نه عدالت اجتماعی تحقق یافته است؛ که حتی غارتگری سرمایه داری عنان گسیخته تر و گستاخانه تر شده است و رنج و فلاکت زحمتکشان شدید تر.

آنچه که تغییر یافته است و این روزها آخرین بقایای حقانیت و رسالت تاریخی خود را از دست داده است، "ذهنیت" خط امام است. به عبارت دیگر نمایندگان اقشار میانی جامعه، آن نیروها و شخصیت هایی که در مرحله اول انقلاب، در مرحله براندازی حاکمیت رژیم شاه و به ثمر رساندن مرحله سیاسی انقلاب رسالت تاریخی رهبری انقلاب، یعنی رسالت تاریخی به دوش کشیدن پرچم اهداف عینی فوق الذکر را محقانه به دوش داشتند، اکنون استعداد تاریخی خود را برای ادامه عمل انقلابی خود از دست داده اند رسالت تاریخی "ذهنیت" در ترکیب فعلی آن پایان یافته است.

اکنون "عینیت" خط مردمی انقلاب، که در توان انقلابی خلق و خواست آن برای به پیروزی رساندن اهداف انقلاب تجلی می یابد، در جستجوی "ذهنیت" جدیدی است، ذهنیتی که استعداد تاریخی ادامه و تعمیق انقلاب را و استعداد ایجاد تحولات انقلابی اقتصادی - اجتماعی را به نفع زحمتکشان و محرومان داشته باشد و بداند که چگونه می توان عدالت اجتماعی را برای خلق تأمین کرد. ذهنیتی که پایبند است به نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصمم به تحقق روح مردمی آن ذهنیتی که از چنان استواری و پیکری و آگاهی برخوردار است، که بتواند دوستان و دشمنان انقلاب را تشخیص دهد و جای انقلاب ایران را در بین خلقهای ضد امپریالیست، در بین کشورهای متمدن و در بین جنبش های آزاد بیخشم ضد امپریالیست بیابد و با تقویت جبهه جهانی ضد امپریالیستی و ملح، مواضع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران را تحکیم بخشد و راه تعمیق انقلاب را باز کند.

۱۳۵۷ است.

اهداف آن، که:

- ۱- تأمین استقلال همه جانبه (سیاسی - اقتصادی - نظامی - اجتماعی - فرهنگی) ایران و
- ۲- بازگرداندن آزادی به میهن انقلابی برانداز - زی دیکتاتوری سلطنتی - ساواکی و تأمین حقوق توده های زحمتکش و بالاخره،
- ۳- تأمین عدالت اجتماعی برای طبقات زحمتکش

برای درک مطلب در ابتدا لازم است به این سوال پاسخ داده شود که "خط امام" بیان کننده چیست؟

حزب ما از ابتدا، این خط مردمی را به صورت ارزیابی کرده است؛ خط ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد فئودالی، ضد سرمایه داری و مردمی (آزادخواهانه) انقلاب. این ارزیابی، در واقع ارزیابی محتوی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی (ملی و مردمی) (دمکراتیک) ۲۲ بهمن

حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی

آنها پناه ما بودند. بهترین انسانهای این روزگار، بهترین چهره های مبارز، از همین ها بیرون آمدند.

باید گفت که بازار زمانی جزو جبهه ضد - دیکتاتوری محسوب می شد و اتفاقاً این حزب توده، ایران بود که این تحلیل را ارائه می داد، زیرا در آن ایام مبارزه علیه رژیم شاه، حتی سرمایه داری تجاری، که رژیم شاه برایش محدودیت ایجاد می کرد و ضمناً به وابستگی و فریبی امروز نبود و با اشاره سرانگشت هم نمی توانست وکیل و وزیر نصب و عزل کند، در نقطه مقابل رژیم قرار داشت. لازم به توضیح است که حتی در آن ایام نیز حزب ما این بخش از بورژوازی را به چشم نیرویی که میتواند فقط ذره کوچکی به نیروی اپوزیسیون علیه شاه بیفزاید میدید، لیکن اینطور که معلوم است برای این آقایان ولینحمت بوده و به آنها "پناه می دادند"، پول میدادند و غیره. در لحظه کنونی که انقلاب با تعمیق خویش براندازی همین "ولی نعمتان"، یعنی سرمایه داری تجاری وابسته، را در دستور روز قرار داده است، تلاش برای حفظ آنها و تحکیم حاکمیت آنها علی ضد انقلابی است.

و اما فرمایشات آقای دبیر کل در مسورد مدافعین مستضعفین نیز جالب توجه بوده و سرنوشتی را که برای این "قشرها" تصویر می کند بسیار عبرت آموز است. بلی، پس از چهار سال و اندی که از انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ - نشینان می گذرد، وظیفه رسمی کوخ نشینان در حزب فراگیر، سفر به شتزارهای داغ خوزستان و گوشت جلوی توپ شدن است. جناب دبیر کل میفرمایند: "جوانها پرشورند، دلسوزند، عاطفی اند، کجیها و بدبها را که گاهی ما که سنی بر ما گذشته یک مقد از راحت تحمل می کنیم، تحمل نمی کنند بز می آسویند، باید گفت اینها چه هستند؟ چرا به چه دلیل؟ این جوانان را چرا ما رد می کنیم به چه چیزی؟ این موهم و مخلص و فداکار را چرا؟ جبهه ما را اینها پر کرده اند" (تاکید از ماست) روشن است که منظور از جوانان تمام کسانی هستند که در پی تحقیق

بقیه در صفحه ۱۳

"راه توده" در شماره ۴۲ خود بنا توجه به وضعیت عمومی حاکمیت فعلی و حزب جمهوری اسلامی که در آن راستگرایان و جبهه آنها غالب شده اند و نیز با در نظر گرفتن زمان برگزاری کنگره ماهیت این باصلاح حزب را هضم نماید. مردم انقلابی ایران افشاء کرد: حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی، در طی کنگره این حزب مرا مانده و اساسنامه آن به تصویب رسید و اعضای "شورای مرکزی" و "شورای داور" آن انتخاب شدند. البته متن این اساسنامه و برنامه (اگر چنین چیزی داشته باشد!) منتشر نشده است تا بتوان تحلیل از آن بدست داد، معهدا میتوان با استناد به نطق های خامنه ای دبیر کل این حزب، رستاخیزی بودن آن را استدلال کرد.

جناب دبیر کل پس از ستایش از حزب جمهوری اسلامی و مزایای کنگره اش می گوید: این کنگره "افراد را با هم آشنا کرد و قشرها را در کنار هم قرار داد و در اساس هم حزب جمهوری اسلامی، حزبی بود که میخواست نمایندگی قشرها باشد و همین ترکیب را در بافت کلی خود از بالا تا پایین، از مرکز تا محیط دایره رعایت کرده بود و نتایج حوی هم بحمداله گرفته بود." چقدر شبیه است این بافت روایی آقای دبیر کل با بافت حزب رستاخیزی که شاه میخواست بطور فراگیر همه اقشار را در درون آن جای دهد! شاه میخواست گرگ و میش را در کنار هم تحت لوای ناسیونالیسم ایران بزرگ زیر پرچم حزب رستاخیز جمع کند، امروز هم این آقایان که سوار بر امواج انقلاب خلق شده اند، میخواهند بزعم خویش کوخ نشین و کاخ نشین را در کنار هم زیر یک چتر با مارک "اسلام" جمع کنند. زهی خیال باطل! البته گمان میرسد که آقای رئیس جمهور از وجود منافع متضاد و مخالف "قشرها" بی اطلاع است، خیر، باید ایشان روز سوم کنگره بعد از اشاره به این نکته می گوید: "مگر بازاری بد است! بازاری خیلی هم خوب است. بازاری همان کسانی هستند که در آن روزگاران که این انقلاب غریب بود آنها دورش بودند. آزمایانی که ما پناه نداشتیم

مشت شکنجه گران جمهوری اسلامی ایران باز میشود

فرانسه چهارشنبه اول ژوئن

به دعوت کمیته بین المللی دفاع از جان زندانیان تودهای و دکرتهای ایران بخشش فرانسه در روز اول ژوئن ۱۹۸۲، ۱۱ خرداد ۶۲ یک جلسه مساجه و مسیح با خبرنگاران روزنامهها و خبرنگاریها و رادیو و همچنین با شرکت تعدادی از احزاب و سازمانهای کمونیست و دکرتهای در پاریس برگزار شد.

در این جلسه که توسط دوکسل نو دبیر حقوقدانان دکرتهای افتتاح شد، خبرنگاران روزنامههای اوانیته، ایسارو، یو، زاکرو، زلسو، سیون، آوانسهای خبرگزاری تاس، آوانس فرانس پرس، آوانس خبری نویستی و رادیو اروپا، راد یو بین المللی فرانسه و با نمایندگان احزاب کمونیست عراق، یونان، اسپرینه، تونس و سازمان هو بین المللی حضور داشتند.

پس از توضیحات آقای کستر نو درباره خفقان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و شیوه سرکوب و حشیانه اعمال شده علیه حزب توده ایران نمایندگانی که در جلسه حضور داشت، به تشریح اوضاع کنونی ایران پرداخت. سپس گزارش پزشکی درباره داروهای مصرف شده برای بدست آوردن "اقرار" توسط یک پزشک ایرانی ارائه شد و توضیحات تکمیلی درباره نحوه عملکرد و تأثیر این داروها بر روی قربانیان شکنجه بیان شد. در گزارش دیگری نحوه عمل سازمان "سیا" در بکار بردن این داروها علیه زندانیان رنگین پوست آمریکایی ارائه گردید. سپس میشل اهرسکالسکی خبرنگار و متخصص جنایات سیا (که تا کنون درباره جنایات ایمن سازمان جاسوسی سه کتاب نوشته است و یکی از این کتب ویژه فعالیت سیا در ایران است) به توضیح نمونههای دیگر این جنایات سیا پرداخت و مظاهر سوء استفاده از "اعترافات" تلویزیونی در کشورهای دیگر را افشا کرد.

سپس فیلم ویدئو که نتایج اثرات شکنجه را بر روی قربانیان افتاب میگرد به نمایش گذاشته شد. آثار شکنجه و فلجی بر چهره ریفیسکی نورالدین کیانوری، دبیر اول و سایر رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران، تأثیر صحنه‌های خضار باقی گذاشت و آنها را تکان داد. شرکت کنندگان پس از تماشای فیلم، که در آن صورت ریفیق کیانوری در قسمت مناظره تلویزیونی با شهید بهشتی و سپس صورت شکنجه شده او در کنار هم مونتاژ شده بود با ابراز خشم و انزجار نسبت به شیوه اعمال شکنجه‌های وحشیانه و عم خود را در افشای هر چه بیشتر جانباختن شکنجه گر اعلام کردند.

در خاتمه از طرف رفقای حزبی به سوالات خبرنگاران پاسخ داده شد. پوستر قلع بزرگ ریفیق کیانوری که بر روی آن خواست آزادی او به زبانهای مختلف چاپ شده و دیوارهای محل برگزاری جلسه را پوشانده بود، در اختیار شرکت کنندگان گذاشته شد.

بین المللی همبستگی با زندانیان تودهای بود - وی که تألیفات چندی در مورد اوضاع ایران علاوه بر تحلیلی در این باره ارائه داد و ضمن آن به بررسی طرحهای "سیا" در ایران و منطقه و نقشی که جهت نفوذ در میان نیروهای مختلف و بهره برداری از نفاق میان آنان بازی می‌کند و خطرات ناشی از آن، پرداخت. وی در ایمن زمینه به همکاری مأمورین امنیتی ایران با دستگاههای امنیتی ترکیه، اسرائیل و "سیا" اشاره کرد و تأکید نمود که نیروهای ارتجاعی در ایران دست به تعرض آشکار زدند و همچنانکه معمول است، کمونیستها اولین قربانیان ایمن تهاجمند. جان این زندانیان در اثر شکنجه‌های وحشیانه وارده در خطر استو برای نجات

بد نهال تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان تودهای و سایر دکرتهای درینند و برنامه ریزی این کمیته در مورد فعالیتهای سریع دفاعی جهت قطع شکنجه‌ها و نجات جان ایمن انقلابیون از خطر مرگ حتمی، در پایتختهای مختلف اروپا، کنفرانسهای مطبوعاتی با شرکت حقوقدانان و متخصصین در امر شکنجه و خبرنگاران بین المللی تدارک دیده شده است. ایمن کنفرانسها تا کنون در کشورهای یونان و فرانسه برگزار شده و در سایر کشورها نیز بزودی برگزار خواهد شد. طی این جلسات مجموعه‌ای از فیلم‌هایی که از تلویزیون ایران در مورد "اقرار" اخذ شده از رهبران حزب توده ایران بخش شده، بعنوان سند جنایت "سیا" چهرگان



آنان باید سرعت عمل نشان داد و اعزام یسک هیئت بین المللی بی طرف، مرکب از پزشکان و حقوقدانان با بران جهت نظارت بر احوال آنان، اولین قدم در این راه خواهد بود. سپس قطعاتی از فیلم تلویزیونی "اعترافات" بنمایش گزارده شد که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرار داد. در این فیلمها چهره‌ها و حرکات مخ شده رفقای رهبری و بویژه ریفیق نورالدین کیانوری، حکایت از شکنجه‌های سبعمانه وارده دارد و مشاهده این فیلمها همراه با توضیحات دکتر STATHAKIS که فیلمها را از زاویه پزشکی و با امکان استفاده از داروهای مختلف و تأثیر آنها بر روی حواس قربانیان تشریح می‌کرد، شرکت کنندگان در کنفرانس را به نگرانی عمیق تری درباره سرنوشت این مبارزین واداشت. در جلسه فوق نمایندگان مطبوعات برجسته و رادیو تلویزیون یونان حضور داشتند و گزارش کنفرانس و اهداف "کمیته همبستگی با زندانیان تودهای و سایر دکرتهای دریند"، پیشگسل وسیعی در رسانه‌های خبری سراسر یونسان انعکاس یافت.

جمهوری اسلامی به نمایش گزارده شد و حاضرین در کنفرانس طبرقم اینکه اخبار این نوع شکنجه‌ها و "اعترافات" را شنیده و یا خوانده بودند، با مشاهده فیلمهای "بیزه تلویزیون ایسران" دچار نگرانی و وحشت گردیده و بیش از پیش به حق این جنایت ضد بشری که علیه فدائکارترین فرزندان میهتمان اعمال می‌شوند، پی بردند.

یونان

روز دوشنبه سیام ماه مه کنفرانسی با شرکت خبرنگاران، حقوقدانان و نمایندگان در آتن تشکیل شده در آغاز جلسه، E. MACHERAS، رئیس کانون وکسلائی دکرتهای یونان، گزارش جامعی از جلسه تدارکاتی دسلد برف که در آن B. KURIS عضو هیئت رئیسه کانون وکلای دکرتهای آتنس و دکتر SP. STATHAKIS عضو هیئت رئیسه سازمان حزب کمونیست در آتن نیز شرکت داشتند، ارائه داد. سخنران بعدی MICHAEL OFFERSKALSKI میشل اهرسکالسکی خبرنگار و عضو کمیته

ویژه روز جهانی کودک کودکان ایران می رزمند و می آموزند

روز جهانی کودک را به روز مبارزه برای قطع تجاوزات راستگرایان و تسلیم طلبان و حامیان امپریالیستی آنها تبدیل کنیم!

انقلابیون و راستگرایان از بدو انقلاب ، کسج اندیشی آنها بی که زمانی دم از اهداف انقلاب می زدند ، در پسرقت وضعیت آموزشی کودکان و نوجوانان موثر بوده است ، با اصطلاح پاکسازیها ، حربه های شدت با بطور عده نیروهای انقلابی و سی دگر اندیش حذف شوند . بدینوسیله هزاران معلم اخراج شدند . کار بجایی رسیده که حتی سی کودکانی که از خانواده های دگراندیشان آمده باشند نیز مسئول " رحمت " اخراجی آقایان

می شوند . کیفیت آموزشی بجای پائین است که دلسردی از تحصیل در میان نه فقط محصلین کلاسهای آخر دبیرستان بلکه در میان کودکان نیز رایج است .
چیه باید کسر د ؟

روز ۱۱ خرداد ، روز بین المللی کودکان است . روزی است که وظیفه دولتها در قبال کودکان به آنها یاد آوری می شود ؛ روزی است که نیروهای انقلابی را مصمم تر به مبارزه با خطر ایجاد شرایط بهتر برای کودکان ، یعنی ایجاد شرایط زندگی فارغ از دلهره جنگ و عاری از کابوس فقر ، گرسنگی ، جهل و بی فرهنگی می کند . ما در اینجا فراتر خون حزب توده " ایران را که در ۲ سال پیش خطاب به خلق و خطاب به آنها بی که آنروزها ضد خدمت به خلق را داشتند ، بود تجدید چاپ می کنیم . حزب توده " ایران در این فراخوان پس از ذکر جای نغشانی کودک قهرمان ، حسین فهمیده ، بعنوان نمونه ای از نوجوانان انقلاب ، که شیردلانه با ستمیان تانکهای آمریکایی - عراقی صدای م رفته بود ، نوشت :

بیائیم به پاس این خونهای پاک ، آینده " تابناک میهن خود را بی رقتیم " ما امروز ضمن تجدید عهد با خلق قهرمان ، از آنان میخواهیم که دست در دست هم به یورش راستگرایان و تسلیم طلبان و حامیان امپریالیستی آنها ، با اقلیتها ، قاطع و انقلابی ، یعنی تشکیک جبهه متحد خلق ، برای همیشه پایمان دهند .

کشته دادند ، انقلاب کردند که کار خرد سالان ، کار کودکان ۷ ساله قانونی شود ؟ ضد انقلاب و راستگرایان برای سرکوب خلق ، برای مایوس کردن توده های مردم از تحقق آماجهای انقلاب دست این چنین چنایتکاری را برای قانونی کردن هنر آنچه از زمان شاه بطور غیر رسمی انجام می شد ، بازگذاشته است .

وضع آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی رقت بار است ، زیرا علاوه بر اقدامات آگاهانه ضد

چهار سال و اندی پس از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن ، کودکان و نوجوانان اقشار محروم جامعه ما ، همانند سالهای دیربای سلطه امپریالیسم رژیم وابسته ضد خلقی ، در زندگی سراسر محنت و ماتم و پریشانی سر می کنند . صد ها هزار کودک خرد سال در میهن ما ، که از هفت خوان بیابانهای واگیردار و غیره جان سالم بدر برد مانده ، بجای قلم در دست و غنچه در بلب ، بجای نشستن در پشت میز کودکان و مدرسه

رسمه بجای داشتن تن پوشی مناسب و غذای کافی ، در کوره پرخانه ها ، در کارگاههای نور قالی بافی ، کارگاههای کوچک صنی ، در مزارع کشتزارها ، در کار فروشندگی و دوو گردی و کارهای دشواری از قبیل باجری و حتی در صنایع ، کار می کنند و در واقع جان می کنند ، و بسوی مرگی زود رس با شتاب در حرکتند .
دو سال پیش وزارت آموزش و پرورش در اطلاعیه ای بمناسبت روز جهانی کودک ، اظهار امیدواری کرد که :

" با فرا رسیدن روز جهانی کودک در پناه جمهوری اسلامی ، خواهران و برادران نوجوان ایرانی بجای کار در دخمه ها و کارگاهها ، به آموزش و یادگیری بپردازند . حاکمیت جمهوری اسلامی ، نه فقط صحبتی را درباره بهبود شرایط

زندگی کودکان مطرح نمی کند ، این کودکانی که در حرف ، فقط در حرفه آنقدر عزیزند که حتی بخاطرشان مادران نیز بیکار و محکوم به خانه نشینی شده اند ، بلکه در راه قانونی کردن زندگی نکبت باری که رژیم شاهنشاهی به آنان تحمیل کرد بود و انقلاب نوید تغییر آنها داد . است ، در حرکت است . وزیر کار جمهوری اسلامی در توضیح وضعیت کار کودکان در " قانون کار " کذا - بی اش ، در جواب خبرنگاری (اطلاعیات ، ۲۲ اردیبهشت) می گوید :

" البته وقتی میگوئیم طفل ، طبعاً کسی بچه سالها سر کار نمی گذارد ، معمولاً نخت بر سر بچه ۸ و ۷ ساله به بالا ، ۱۲ ساله و ۱۳ ساله پیلا است و این بستگی به کارهای مختلف دارد .
عزت انگیز است [مردم] ایران دهها سالهاست



این دستها باید با قلم آشنا شود ، اما در گل می تشیند



نورالدین کیانوری:

دی ماه ۱۳۵۸

پرسش و پاسخ

آیا خطر بازگشت ارتجاع وجود دارد؟

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما چهار سال پس از پیروزی خود، حوادث و رخداد های بسیاری بخود دیده است. تمامی این حوادث سیاسی با همه پیروزی ها و پیچیدگی های خود، حوادثی نبود که بگونه ای از چشم تیز بین حزب تسود ایران دور مانده باشد.

حزب تسود ایران با جهان بینی علمی و اصولی خود، با آگاهی کامل از اوضاع جامعه و ترکیب و آرایش نیروها، تنها سازمانی بوده است که تحلیل مشخص و تاریخی از اوضاع مشخصی ارائه داده است. اسناد، اعلامیه ها و تحلیل های تاریخی متعدد حزب که در طی این مدت منتشر شده است، گواه بارز این مدعاست.

یکی از اهدافی که امپریالیسم و ایادی دلخوی آن از یورش به حزب تسود ایران، دنبال میکنند، زیر علامت سوال گذاشتن مشی حزب است. امپریالیسم به اهمیت مشی انقلابی حزب تسود ایران واقف است و بهر وسیله ممکن میکوشد تا از تحقق آن جلوگیری کند. آنها شایع می کنند که گویا مشی حزب شکست خورده و تحلیل های منطبق با واقعیات و عینیات جامعه نبوده است! در حالی که حوادث اخیر درستی مشی حزب را که متکی بر سنگ خارا نشی از تشریح علمی و انقلابی است، بطور کامل به ثبوت رسانیده است.

رفیق نورالدین کیانوری در یک جلسه پرسش و پاسخ (دی ماه ۵۸) امکان سازش نیروهای درون حاکمیت را با امپریالیسم منتفی ندانسته، ادعایان پیش بینی می کند که در صورت غلبه راستگرایان و تحکیم موضع آنان در حاکمیت سرکوب و قتل عام کمونیست ها و چپ های مترقی آغاز شده و انقلاب یا شکست مواجه خواهد شد. نظر به اهمیت و ارزش تاریخی این پرسش و پاسخ، که کلمه به کلمه مسائل مطرح شده آن در شرایط امروزی مینشان بویوق پیوسته و می پیوند د، به انتشار آن در "راه تسود" مبادرت می ورزیم.

س. آیا سرنوشت کمونیست های عراقی در انتظار حزب ما نیست؟

ج. - رفقا! این سؤال بسیار جدی است و من آن را مفصل تر پاسخ خواهم داد. زیرا عسده زیادی از ما می پرسند: آیا ممکن نیست مبارزهای که امروز در ایران جریان دارد و شما از آن پشتیبانی می کنید، در مراحل بعدی تغییر جهت بدهد؟ یعنی نیروهای اسلامی به دلیل کسب موفقیت و یا سازش دست از مبارزه علیه امپریالیسم - دشمن امروزی خود - بردارند و مبارزه

علیه کمونیسم و سازمانهای مترقی چپ ایران را آغاز کنند، و یا دست به سرکوب های یزیدکنه مانند آن در بسیاری از کشورها علیه کمونیست ها انجام گرفته است؟ ما به هیچ وجه پیدایش چنین امکانی را در تحول شرایط اجتماعی ایران، پسه کلی نفی نمی کنیم. ممکن است در شرایط آینده ایران وضعی پیش بیاید که نیروهای راست بتوانند انقلاب را با شکست روبرو سازند، مواضع محکمی به دست آورند و سخت گیری اصلی ضد امپریالیستی دموکراتیک و خلقی آن را تغییر دهند و به نیرو های چپ حمله ور شوند و حتی آنها را قتل عام کنند. ممکن است حتی وضعی برآید که تسراز عراق، مانند اندونزی پیش بیاید. چه کسی می تواند تعهد کند و ضمانت بدهد که امکان تحقق چنین چیزی وجود ندارد و به ثبت اسناد برود و امضا هم بدهد! ما به عنوان یک حزب سیاسی چنین امکانی را به طور مطلق نفی نمی کنیم. ما می گوئیم تا چنین وضعی پیش نیاید. تمام تلاش ما برای اتخاذ سیاست درست، به خاطر این است که چنین فاجعه ای رخ ندهد. به همین جهت، از تمام نیروهای سالم انقلابی می خواهیم تا در جهت هر چه عمیق تر و پیگیرتر کردن مبارزه علیه امپریالیسم با تمام قوا بکوشند، تا احتمال چنین بازگشتی را از بین ببرند و یا آن را کمتر کنند. اگر موضع گری های ما را با دقت خوانده باشید، می بینید که ما گفتمان باید دست آورد های انقلاب ایران را تحکیم و تثبیت کنیم، آنها را گسترش دهیم و در درجه اول بکوشیم تا این دست آورد های انقلاب ناپذیر گردند. یکی از دست آورد های انقلاب ایران همین دموکراسی خلقی است که هم اکنون وجود دارد: امکان فعالیت نیروهای چپ، حتی در این جو نیرومند و همه گیر مذهبی. پس ما با تمام نیروی خود در تحکیم، تثبیت و بازگشت ناپذیر شدن این دست آورد ها می کوشیم. البته لازم به تذکر است که اگر نتوانیم در این کار موفق شویم، دلیل نادرستی سیاست ما نخواهد بود.

سیاست حزب کمونیست آلمان در جلوگیری از پیروزی فاشیسم در آلمان هیتلری، سیاست اتحاد همه نیروهای طبقه کارگر و تمام احزاب دموکرات چپ بود. این حزب، پس از جنگ بین الملل اول در برابر حمله فاشیسم، چنین سیاستی را دنبال می کرد، اما با ناکامی روبرو شد. این دلیل پسر نادرستی سیاستش نبود. به عکس، پیروزی فاشیسم درستی سیاست حزب کمونیست آلمان را تأیید کرد. چرا؟ زیرا حزب بسیار کوشید تا جبهه های بر ضد فاشیسم به وجود آورد، اما نیرو های دیگر با کارشکنی، ضعف و سازش خود ایجاد چنین جبهه های را با مانع روبرو کردند. در پرشغال نیز، حزب کمونیست بسیار کوشید تا جبهه متحدی برای جلوگیری از بازگشت سرمایه داری

و نیروهای راست ایجاد کند، و با اینکمرادرستی در پیش گرفته بود، با عدم موفقیت روبرو شد. زیرا چپ گراها، و سوسیالیست های سازشکار، از روز نخست حاضر به شرکت در چنین جبهه های نشدند. اگر چنین جبهه های تشکیل شده بود، می توانست بسا به دست آوردن اکثریت مطلق در مجلس و دولت، به اصلاحات عمیق اجتماعی بپردازد و از این طریق، انقلاب را پایدار گشت تا پذیر کند. اما چپگرایان و دموکراتها با سیاست های نادرست، افراطی و حادثه جو، پانه و رهبران سوسیالیست با سازش های خیانت بار خود، چنین شکستی را به جنبش پرتغال تحمیل کردند. به این ترتیب تمام سیاست ما برای پیش گیری از چنین احتمالاتی است. ما به دوستانی که این پرسش ها را مطرح می کنند و زنده نگه می دارند، می گوئیم بیایید با ما همکاری کنید تا از پیدایش چنین امکانی جلوگیری کنیم. اگر چنین وضعی پیش بیاید و فاشیست های ایرانی به قدرت برسند، ما و همه شما را از دم تیغ خواهند گذراند. ما نمونه های شیلی، اندونزی و حتی مصر را در پیش رو داریم. دانیم که در این کشورها چه جنایاتی علیه نیرو های مترقی انجام گرفته و می گیرد. نمونه ۸۸ مرداد را نباید فراموش کرد. ممکن است نمونه ۸۸ مرداد به اشکال دیگری بروز کند، و لازم نیست که حتما به سبک شاهنشاهی باشد. ۲۸ مرداد، یعنی کودتای امپریالیستی نیروهای جنایتکار وابسته به آمریکا، البته نمونه های دیگر آن، یعنی اشکال افراطی مذهبی نیز می تواند رخ بدهد. ما معتقدیم تا زمانی که خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، که همیشه تیزش در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیست ها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا بوده است، در سیاست کشور نقش تعیین کننده داشته است، ما امکان چنین تغییری را در سیاست کشور زیاد نمی دانیم. و با وجود همه خرابکاری ها و دسائس رنگارنگ امپریالیستی، نمی پنداریم که این خط پسه این زودی ها با شکست روبرو شود. زیرا به نظر ما، هم اکنون خط امام خمینی که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع توده های انقلابی ایران است، هوا داران بسیار جدی و سرسختی دارد که می تواند تداوم انقلاب ایران را بر پایه اتحاد همه نیرو های ضد امپریالیستی و خلقی در این سنگبیری درست، تضمین نمایند. ولی البته اگر دشمنان انقلاب موفق شوند که جنبش را ناکام سازند، آنوقت امکان چنین بازگشتی هست. به همین جهت، باید با تمام نیرو بکوشیم تا خط امام خمینی را که نقاط بسیار مشترک و مهمی با سیاست دموکراتیک، خلقی و ضد امپریالیستی نیروهای راستین انقلابی چپ دارد، تقویت کنیم. اگر این نقاط مشترک تثبیت شوند، تضمینی خواهد بود برای اینکه چنین بازگشتی نتواند صورت گیرد.

موج پشتیبانی بین‌المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می‌گیرد

بقیه از صفحه ۳

حاکمیت کنونی ایران، افرادی را به ظل وزجه‌ر کشیده است، که آوازه‌ایثارگری آنان بسرای بهبود بخشیدن به زندگی زحمتکشان میهنشان، از مرزهای ایران به خارج نفوذ کرده است. این حاکمیت، اکنون در برابر مردم آزاد یخسواوه جهان، بجوابگوی اعمال فشار و تهدید جان این میهن پرستان است. هیأت حاکم ایران با این اصول، وجهه‌ی جمهوری اسلامی ایران را میان جهانیان، منزوی خواهد کرد و تنها دشمنان انقلاب یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی، از این اصل سود خواهند برد.

در پایان بیانیه، همبستگی عمیق حزب کمونیست بنگلادش با رهبران، و کادرها و اعضای در بند حزب توده ایران ابراز و آزادی فوری آنان خواستار گردیده است.

کمیته مرکزی حزب عوامی ملی بنگلادش، طی نامه‌ای به دولت ج. ۱۰۱۰، بتاريخ ۴ ماه به‌دست‌گیری و شکنجه اعضای کادر مرکزی حزب توده ایران و اعلام انحلال حزب از جانب مقامات رسمی دولت شدیدا اعتراض نموده و ضمن برسرمدن اهمیت نقش تاریخی حزب و اعضای آن در پیشبرد مبارزه اش علیه امپریالیسم و ارتجاع و منافی که این اعمال فشارها برای این محافل در بردارد، آزا - دی فوری زندانیان خودهای و رفع تضییق از حزب را خواستار گردیده است. همچنین بیانیه‌ی مسیوطی نیز در این مورد از طرف کمیته مرکزی حزب عوامی ملی بنگلادش منتشر شده که در آن به نقش حزب توده ایران در رویدادهای کشور و سهمی که در جریان انقلاب داشته است، نفوذ محافل راست در حاکمیت و سرکوب حزب پشابه نقشه امپریالیسم و ارتجاع بررسی شده و نگرانی عمیق مردم بنگلادش را از شدت شکنجه رهبری حزب که سالیان طولانی سیاهچالهای رژیم دیکتاتوری شاه و شکنجه‌های مزدوران ساواک را تحمل کرده و اینک دگربار به چنگال همین ددان که اکنون بخدمت جمهوری اسلامی در آمده‌اند، گرفتار آمده‌اند، بیان کرده است و در خاتمه همبستگی عمیق مردم و کمونیستهای بنگلادش را با مبارزات استقلال طلبانه مردم ایران و مبارزین در بند تودهای اعلام نموده. در بیانیه همچنین تصریح شده است که بدون آزاد ساختن رهبران و اعضای حزب توده ایران، روند انقلاب بدست نیروهای راست افراطی و به کمک امپریالیسم و ارتجاع بعقب رانده خواهد شد.

برنامه کودتای خرنده آمریکا و ارتجاع داخلی در ایران

همبستگی با حزب توده ایران و مبارزین در بند آن، روز بروز قوت بیشتری می‌گیرد. روز چهارم هم ماه مه در جلسهای که تحت عنوان "همبستگی بین‌المللی"، توسط هوا داران

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نیویورک برگزار شده، چندین سازمان مترقی آمریکائی و بین‌المللی، از جمله حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست آمریکا، سازمان هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و سازمان جوانان هواداران این جبهه، نماینده کنگره ملی آفریقا (AFRI) (آفریقای جنوبی)، و دوستان آمریکائی انقلاب ایران (AFRI)، سازمان هواداران جبهه دمکراتیک مترقی یمن شمالی در آمریکا و شورای صلح شرکت داشتند. جلسه با سخنرانی رفیق هنری وینستون، صدر هیئت‌رئیس حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در ارتباط با وقایع اخیر ایران و انترناسیونالیسم پرولتری آغاز شد. وی در سخنانش از جمله اظهار داشت:

"ما شرمندگین سیاست دولت خود را تعقیب می‌کنیم، سیاستی که پیش از انقلاب ایران، جهت حفظ حکومت شاه و اکنون در جهت حمایت از کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و بخاطر خنثی کردن دستاوردهای انقلاب ایران، اعمال می‌شود. مردم ایران شاه را سرنگون نکردند که حکومت وی بجز بزرگ بازرگانه تنها پنتاگون و ریگان خواهان بازگشت چنین حکومتی هستند."

رفیق وینستون، سپس با اشاره به مسأله دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، این اعمال وحشیانه را بخشی از برنامه کودتای خرنده آمریکا و ارتجاع داخلی در ایران دانست و بویژه مسئولیت سنگین کمونیستهای آمریکا در این رابطه را بر شمرده و همبستگی کامل آنان را با حزب توده ایران و رفقای در بند اعلام داشت.

نماینده سازمان دوستان آمریکائی انقلاب ایران (AFRI)، در سخنان خود از جمله اظهار داشت:

"خیانت اعضای حزب توده ایران در آن است که همواره در صف مقدم مبارزه مردم میهنشان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی داشته‌اند و بدیهی است که امپریالیسم و عمال آن، هیچگاه چنین خیانتی را نخواهند بخشید!"

نماینده سازمان هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین ضمن بررسی اوضاع ایران و شکردهای ارتجاع در منطقه و در جهان، و مسأله دستگیری و شکنجه رهبران و کادرهای حزب توده ایران، به تشریح اهداف امپریالیسم و ارتجاع در مورد پیاده کردن برنامه کودتا در ایران پرداخت و افزود:

"اما شرایط در سال ۱۹۸۳، با سال ۱۹۵۳، تفاوت ماهوی دارد. موازنه قوا طی این سالها بزبان ارتجاع جهانی و در جهت منافع اردوگاه زحمتکشان و خلقهای تحت ستم، دگرگون شده است و این نیرو نقشه‌های امپریالیسم را خنثی خواهد نمود."

نماینده کنگره ملی آفریقا (AFRI) (آفریقای جنوبی) طی بیانات مسیوطی در مورد توطئه‌های امپریالیسم در جهان، به وقایع اخیر ایران، دستگیری و شکنجه و آزار کادر رهبری حزب توده ایران، اشاره کرده و اعلام داشت که حزب توده ایران در مبارزه خود بخاطر استقلال و آزادی میهن، همواره از پشتیبانی نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار بوده و به ویژه در مقطع کنونی که ارتجاع‌ها در گسرنبار، حزب و اعضای فدائیان خود حمله سبعمانه خود قرار داده است، این همبستگی بین‌المللی با اهداف مردمی حزب، هرچه استوارتر میگردد.

اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی و دانشجویان زیما بوه در شهر آرلینگتن، واقع در ایالت نگراس، با اعضای قطعنامه‌های همبستگی خود را با حزب توده ایران و رهبران و اعضای در بند آن ابراز داشته و شکنجه‌های وارده بدانان را شدیداً محکوم نمودند.

در این قطعنامه‌ها، پس از اشاره به تاریخچه مبارزاتی حزب، ضرورت آزادی این مبارزین و رفع تضییق از حزب و خطری که در غیر اینصورت انقلاب ایران را تهدید می‌کند، تصریح شده است.

اعلام همبستگی همه جانبه حزب کمونیست یونان با کمونیست‌های ایران

هیأتی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، در روز دوشنبه سی‌ام ماه مه، در دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان با رفقا ORESTIS KOLOZOF، عضو علی‌البدل هیأت سیاسی و ANTONI KALOBOGIA، عضو کمیته مرکزی و GEORGIOS PAPAPEPEOS، عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب، ملاقاتی بعمل آورد. هیأت نمایندگی حزب توده ایران، در جریان این ملاقات، پس از اظهار تشکر از همبستگی کمونیستهای یونان با رهبران و اعضای در بند حزب، نگرانی خویش را در مورد خطری که جان نورالدین کیانوری، دبیر اول و سایر زندانیان تودهای را تهدید می‌کند، بیان نمود. این هیأت ضمناً تأکید نمود که صحنه "اعترافات" رهبران حزب قبلاً طرح‌ریزی شده و در اثر شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی و تحت تأثیر استفاده از داروهای شیمیائی بدست آمده است و اظهار داشت که جهت نجات دادن جان این افراد، بسیج هر چه بیشتر افکار عمومی دمکراتیک بین‌المللی با خواست‌های زیر ضروری است:

"واکنش گرم" کنفرانس ویلیامز بورگ نسبت به "پیش درآمد" های ایران

پیام ها و تماسهای آشکار و نهان مقامات رسمی و نیمه رسمی ایران منطبق با شعار دوگانه در گفتار و در کردار "نه شرقی، نه غربی" است. همین جمهوری اسلامی، در کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در شهر ویلیامز بورگ آمریکا، چنان شعفا انگیز بوده است، که "پیش درآمد" های "ایران مبنی بر" بهبود روابط حسنه با این کشورها" با واکنش گرمی روبرو شده است و چراغ ورود این کشورها برخلاف ادعای چند هفته پیش هاشمی رفسنجانی، با روشنایی بدون حاشائی رنگ سبز را نشان می دهد.

در این کنفرانس، طبرغم وجود اختلاف نظر میان سران کشورهای امپریالیستی در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، آنهاست همچون کنفرانس گوادالوپ که در آستانه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در راه کسب استقلال واقعی تشکیل شده بود، در یک مورد اتفاق نظر کامل دارند و آن چگونگی به بیراهه کشاندن انقلاب ایران، مسخ آن و در نهایت سق دادن ایران به وابستگی کامل اقتصادی، سیاسی و نظامی می باشد. اگر در کنفرانس گوادالوپ، مطرح دسائس و توطئه های رنگارنگ دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیستها و ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در جریان بود، در کنفرانس اخیر بعد از کسب مواضع حساس و کلیدی در ایران بوسیله نیروهای جبهه براندازی و نیروهای جبهه سازش و تسلیم چگونگی مشارکت همه جانبه جمهوری اسلامی در جنگ صلیبی علیه کمونیسم و چگونگی به اسارت در آوردن وسیع و کامل اقتصاد و سیاست ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

روزنامه "گاردین" مورخ ۳۱ ماه مه ۱۹۸۲

با استناد به گزارش "واشنگتن پست" از کنفرانس اقتصاد سران هفت کشور سرمایه داری در شهر ویلیامز بورگ آمریکا تحت عنوان "پیش درآمد" های ایران، با واکنش گرمی روبرو می شوند، می نویسد:

"وزرای خارجه بمنظور جستجوی راه هائی جهت دادن جوابی متقابل به پیش درآمد های اخیر ایران مبنی بر بهبود بخشیدن به روابط با این کشور به توافق رسیدند".
درست در زمانی که ایران بخاطر دسائس و توطئه های رنگارنگ دشمنان انقلاب ایران در خط برزیل در حال فاصله گرفتن از کشورهای دوست و حامی انقلاب ایران می باشد و فرصت های گرانبهای بهره گیری از امکانات جهانی، بمنظور ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و کسب استقلال واقعی را از دست می دهد، بخاطر هائی از "بن بست امپریالیسم ساخته و ارتجاع پرده خت اقتصادی و سیاسی" دست حاجت به سوی امپریالیسم و سرمایه داری جهانی دراز می کند. بی جهت نیست که وزرای خارجه هفت کشور عمده سرمایه داری با خوشحالی به این نتیجه رسیدند که "ایران فعالیت شدیدی را با هدف شکستن انزوای خود آغاز کرده است".
روزنامه "گاردین" چنین ادامه می دهد:

"گزارشهای رسیده حاکی از این است که در ماه های اخیر حاملین پیامهای آشتی جویانه از طرف دولت ایران بمنظور افزایش تجارت و گسترش روابط سیاسی با عدای از ایمن و زرا تماس حاصل کرده اند".
"گنشر وزیر امور خارجه آلمان غربی اظهار داشت که نواب سفیر ایران در برن، در هفته گذشته از وی تقاضای ملاقات ویژه ای کرده بود. در این ملاقات سفیر ایران تمایل وافر کشور خود را جهت تقویت همکاری در زمینه های سیاسی،

اقتصادی و فرهنگی تأیید کرده است. گنشر گفت که او بسیار تحت تأثیر بیانات و اظهارات نواب قرار گرفته و اصرار دارد که کشورهای غربی به چنین درخواستی از جانب دولت ایسرا ن پاسخ مثبت دهند.

گاردین همچنین ادامه می دهد:
"هیئت کانادائی در این کنفرانس فاش ساخت که در ماه های اخیر جهت بررسی امکان بازگشائی مجدد سفارت کانادا در تهرانه تماسهایی با مقامات رسمی ایران حاصل شده است".

روزنامه انگلیسی گاردین ضمن توضیح علل بنسنت شدن سفارت کانادا مبنی بر شرکت کارمندان این سفارت در اختفای چند ماهه و قسارر عدای از دیپلماتهای آمریکائی از ایران می نویسد: "فرانسه نیز با وجود کمکهای تسلیحاتی قابل توجه به دولت عراق، مذاکرات با ایران را مبنی بر بهبود مناسبات دو کشور از سر گرفته است".

گاردین پس از طرح گزارش مناسبات ایران و عراق، نسه چنین ادامه می دهد:

"ژاپن که قسمت اعظم نفت ایران را خریداری می کند، بطور نسبی روابط حسنه ای را با رژیم ایران حفظ کرده است. مقامات رسمی ژاپن تشریح نمودند که ایشان نیز در تهران رفتن و توجه به تقویت روابط تجاری را مشاهده کرده اند و سرعت و خوش حسایی ایران را در بازپرداخت بدهی های خود ستودند".

این گفتارها و گزارشات، توجیه کننده گرایش حاکمیت در دولت جمهوری اسلامی ایران به جانبی است که باعث شده است ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و همیزان سسران کشورهای عمده سرمایه داری در کنفرانس ویلیامز بورگ، دولت ایران را با اصطلاحات "دولت میانه رو" و "مورد قبول آمریکا" توصیف کرده و خواهان استقرار آن در ایران شده است. بی جهت نیست که در این کنفرانس وزرای امور خارجه طبق نوشته "واشنگتن پست" به سرعت به این توافق رسیدند که جهت سوق دادن دولت ایران به جانب دولتی میانه رو، با بستنی به در باغ سبز نشان دادن آن (بمنظور گسترش روابط با غرب) روی خوش نشان داده شده و بویژه احتمالات زیر نفوذ شوروی قسارر گرفتن این دولت خنثی شود. این تماس ها و پیام های آشتی جویانه آشکار و نهان با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا توسط مقامات رسمی و نیمه رسمی جمهوری اسلامی ایران از قبیل نواب و آیت الله یدالله موسوی جزایری که مورد تأیید وزرای خارجه کشورهای عمده سرمایه داری قرار گرفته امپریالیسم را آنچنان به وجد آورده است که هنوز به "رنگ دسائس خود نرقصیده، با اطمینان به "نخه" بعد از "پیش درآمد" ایران با "واکنش گرمی" به شیوه "دندانه به دندانه" با یکدیگر درآمده است.

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۴
یک برنامه انقلابی و واحد جمع شوند و با اعلام مواضع خود در دفاع از انقلاب و دستاورد های آن و اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه تجهیز و سرکردگی خلق انقلابی را به عهد بگیرند، انقلاب به شکست کشاننده خواهد شد!

این است حکم تاریخ و انتظار انقلاب زخم خورده و در خطر، از همه نیروهای وفادار به اهداف انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن ۰ این است وظیفه انقلابیون صادق، که مکر ضد انقلاب، تسلیم طلبی ماساگران، بارو

مسئولیت رهبری انقلاب "بی سر" شده را بر عهده آنها گذاشته است!
حزب توده ایران، حیزب طبقه کارگر ایران همانطور که در اسناد رسمی خود یادآور شده از هیچ کوششی در راه پاییزی چنین جبهه متحد انقلابیون راستین کوتاهی نکرده و نخواهد کرد.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران، تمام مسلمانان مبارز و تمام انقلابیون راستین و دگراندیشی طلب برای تشکیل جبهه متحد خلق بکوشند و دست دوستی ما را بفشارند!

زنده باد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما!
درود بی پایان بر روان پاک شهدای انقلاب!
پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

کمیته برون مرزی حزب توده ایران
پنجم خرداد ۱۳۶۲

در هفته ای که گذشت:

حواله داده شده است . با توجه به اینکه دستگاه قضایی ایران همان دستگاه قضایی است که مستأجرین را خیلی سهل و آسان از خانه خود بیرون می داند، زمین ها را به فئودال ها پس می دهد، برای پیگیری مدافعین انقلاب پرونده سازی می کند، حجت الاسلام امید نجف آبادی را به " جرم " صادره زمین بنفخ دهقانان ، به " جرم " محاکمه و مجازات میراشرافی ها به پای میز محاکمه می کشد (آنهم بدستور " ستاد پیگیری ") ، از این دستگاه قضایی انتظار نمی رود که کوچکترین گامی در جهت مجازات ایسین سردمداران غارت و چپاول بردارد .

قانون ارتجاعی مالک و مستأجر اجرامی شود

خوانندگان " راه توده " بیاد دارند که سال گذشته ، مجلس قانونی پس ارتجاعی و مستأجر ستیز درباره " مسأله " موجر و مستأجر به تصویب رساند که از قانون رژیم شاه نیز عقب تر بود . با این وجه ، این قانون مورد تأیید مدافعین کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در شورای نگهبان قرار نگرفت !
وجه ارتجاعی قانون تشدید شد و این بار ، قانون را شورای نگهبان تصویب کرد . با تصویب این قانون ، موجرین حق دارند که هر وقت مستأجر را " مود مقرر " اجازه بها را نپردازد ، مستأجر بدو چون و چرا حکم تخلیه بگیرند . این قانون از هم اکنون قابل اجرا است . تنهسا " دل داری " که دست اندکاران به مستأجرین می دهند ، این است که گویا اگر تخلیه باعث " حصر و حرج " (ظاهرا یعنی بزهت افتادن) ستأجر شود ، اجرای آن عقب می افتد و تازه آنهم به شرطی که عقب افتادن اجرای حکم ، باعث " حصر و حرج " موجر نشود ! (رجوع کنید به اظهارات رئیس دادگاههای صلح تهران در روزنامه های دوم خرداد ماه) .

واضح است که تشخیص اینکه بالاخره در رفع " حصر و حرج " چه کسی مقدم است ، در جامعه ای که زر و زور و تزویر حاکم است ، نه بنفخ ستأجرین کم در آمد ، که بسود صاحبان مستغلات کلان و املاک بزرگ انجام خواهد گرفت .

وقتی توکلی مدافع حقوق کارگران می شود

آقای توکلی ، " سوگلی " حکومت جمهوری اسلامی و وزیر کار و امور اجتماعی ، ضمن " مژده دادن " به کارگران که نرخ دستمزدشان تا یک سال افزایش نخواهد یافت ، " لطف کردند " و به کارگران " اجازه دادند " که " از ۳۵ درصد اضافه کاری که وزارت کار برای آنها در نظر گرفته است ، استفاده کنند " . (" اطلاعات " یکشنبه اول خرداد) یعنی استعمار بیشتر و وحشیانه تر برای کارگران .

آقای توکلی همچنین پس از ماهها اعتراض مداوم کارگران انقلابی به اخراج دسته دسته برادرانشان از کارخانه ها ، از " لایحه ای "

آنچه که مردم ایران در این چهار ماهه از کار " پیگیری " دید ماند ، چیزی نبوده است جز اینکه :

- زمینهای تقسیم شده بین دهقانان از آنسان پس گرفته شده و فئودالها با " سند " به روستاها بازمی گردند ؛
- عوامل طاغوتی ، لیبیرال ، ساواکی و حجتیه ای دوباره کارخانه ها ، دانشگاهها ، ادارات و ارگانها را اشغال می کنند ؛
- جنایتکاران ساواک از زندانها آزاد می شوند ؛
- و بالاخره تنها اثر مثبتی که " فرمان " می توانست داشته باشد ، و بهمین دلیل نیز در بدو صدور امیدی در دل همه انقلابیون به پایان دادن به قانون شکنی ها برانگیخت ، با هجوم اخیر به حزب توده ، ایران ، با یورش شبانه به خانه و کاشانه هزاران تن از فرزندان این خلق ، با به بند کشیدن افراد بیگناه و میهن دوستان انقلابی ، با شکنجه و وحشیانه یساران وفادار کارگران و زحمتکشان ایران و ... دیگر نه تنها مطرح نیست ، بلکه خود " فرمان " بهمان صورت که سرمایه داران و بزرگ مالکسان می خواستند و تعبیر می کردند به اجرا در آمده است .

این " کارنامه " جز سرافکنندگی برای آنها بیکه بجای عمل انقلابی ، شکایات حق طلبانه مردم را به یکدیگر و به جامعه " پاس " می دادند . بیار نمی آورد .

کلان چپاول گران بازار ، زمامداران اقتصاد و سیاست کشور

در این هفته روزنامه ها سند افشا کنند های منتشر کردند که حاکی از تسلط کامل سرمایه داران غارتگر بازار بر " شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی " ، " مرکز تهیه و توزیع فلزات " ، " کمیته امور صنعتی " و " سازمان مرکزی تعاون کشور " که همگی سازمانهای دولتی تابع وزارت بازرگانی آنه می باشد . دیوان عدالت اداری حکم به مجرمیت امثال پوراستادرو خاموشی داده است . ایسین حضرات و همدستانشان با کنترل کامل نظام توزیع کشور ، " اختیارات " واگذار کرده اند ، منزل و نصب کرده اند ، شرکت های واقعی تعاونی را تعطیل و " کارتل " های سرمایه داری با اسم " شرکت تعاونی " تشکیل داده اند ، میلیونها تومان وجوه آهن و شیشه و ... را " بیسالا کشیدند " و کار را بجایی رساندند که دیوان عدالت اداری در حکم خود بنویسد :

" تخلف آنان ... محرز و مسلم است " و نیز " چگونه می توان این اعمال را مخالف صریح با مقررات و قوانین جاریه و حاکم ندانست ؟ " لازم به توضیح است که دیوان عدالت اداری درباره " مجازات این گردانندگان " مافیای ی بازار تصمیمی نکرده و این تصمیم به دیگران

کارنامه چهار ماهه " ستاد پیگیری "

در هفته گذشته مسئولین " ستاد پیگیری " خود را ملزم دیدند که در پاسخ اعتراضات فزاینده توده های مردم " کارنامه ۴ ماهه " کار خود را عرضه کنند . " کارنامه ای " که جز رسوایی برای تسلیم طلبان و تفق راستگرایان و ضد انقلاب پر حاکمیت جمهوری اسلامی در بر ندارد .

در واقع هم کارنامه چهار ماهه " ستاد پیگیری " و رویدادهای اتفاق افتاده در ۴ ماه گذشته نشانگر آنست که بقول خود مسئولین این ستاد " بحقیقه ما این کار روی امنیت سرمایه گذاری و توسعه بسیار تأثیر داشته " . یعنی بزبان دیگر بسوجبود آوردن امنیت همه جانبه برای " سرمایه " و برداشتن تمام موانع موجود از سر راه آن و هر آنچه این مهم را به خطر بیاندازد ، است . به همین جهت ستاد با تأیید و نظر دیگر مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران با تفسیر " سرمایه " پسند خود از پیام هشت ماده ای بجای رفع موانع و تسهیلات از سازمانها و احزاب دگراندیش و مدافعان انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی مان با استفاده از بنده ۴ و ۵ و ۶ پیام با تأیید پیگرد و بازداشت غیر قانونی و شکنجه وحشیانه اعضا و رهبران حزب توده " ایسین عملا خدمتگزاری خود را در حفظ و امنیت " سرمایه " اثبات کرد .

مسئولین " ستاد " در گزارش خود چیزی نداشتند بگویند ، جز اینکه " مسائل پیچیده ... نظیر توزیع و زمینهای مزروعی ... بکلر ستاد مربوط نمی شود " .

آقایان مسئولین ستاد که تا دیروز " گسترش عدالت و حفظ حریم مقدس قانون و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حریم آزادبهای فردی و اجتماعی " را وظیفه خود میدانستند و ضمن فرمان را با لگام زدن بر خود سربها و قانون شکنی ها و قطع ریشه های تجاوزات و غارت سرمایه داری بی بند و بار وعده میدادند ، اینک که خود تسلیم غارتگران " سرمایه " شده اند ، خواسته های پر حق مردم را " بالا رفتن توقعات مردم " می شمارند .

مسئولین ستاد در رابطه با اموال توقیفی میگویند :

" که پس از این فرمان ، این مسئله که مشکل بسیار پیچیده ای شده بود تا حد بسیار زیادی مرتفع شده ، صاحبان اموال را پیدا کرد ماند و رضایتشان جلب شده " و ادامه میدهند که : " مقداری از این مسائل مربوط به زمینهای توقیفی است که در سالهای ۵۸ و ۵۹ و احیانا ۶۰ توقیف و به زارمین داده شده بود و زارمین بر سر آنها مشغول کشت شده اند ، اما پس از مدتی مالکین شایسته گردانند و در این زمینه ما نتوانستیم احکام قاطع بدیم " .

در هفته‌ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

سخن گفتند که گویا به وزارت کار اختیار می‌دهد "کارگزارانی را که اخراج آنها جنبه سیاسی و اجتماعی ندارد" ! به سرکار بازگرداند. حتماً این "الطاف" آقای وزیر کار شامل حال صد ها کارگری که به "جرم" اعتراض به پیش‌نویس این اخراج شده‌اند نخواهد شد، چسرا که بالاخره اخراج آنها جنبه "سیاسی و اجتماعی" دارد!

طبقه کارگر آگاه و هشیار ایران فریب ایمن ریاکاری‌ها را نخورده و نیازی هم به دست‌سختی خاله خرسه "دشمن سوگند خورده خود" توکلی ندارد. طبقه کارگر ایران با متشکل شدن برای حفظ انقلاب، هشت محکمی بد هان توکلی و سایر دست‌اندرکاران دشمن کارگر و زحمتکش خواهد کوبید.

روستای ایران: صحنه حادترین مبارزات

همانگونه که انتظار میرفت، حتی غلبه راستگر ایران در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و پیوسته فراموشی سپردن "سند" دست‌های پینه بسته دهقانان، مبارزه دهقانان زحمتکش غلبه بزرگ مالکی نه تنها پایان نیافته، بلکه حادتر شده است. خوانین و بزرگان مالکان با انکاء به قدرت دولتی و به قصد بازس گرفتن زمین‌های تقسیم شده، به دهات باز می‌گردند و در مقابل دهقانان زحمتکش با ایستادگی در مقابل بزرگان مالکان و مدافعان "اسلام پناه" و "مشرع" آنها، با جمع کردن طواری، براه انداختن تظاهرات، با نشستن روی زمین با توافق زنان و کودکان، با کشت شبانه، با کشت و برداشت و محافظت از محصول بطور دسته جمعی، با حمایت از آندسته از مسئولین نهاد های انقلابی که در مقابل هجوم مالکان ایستادگی می‌کنند و ... به مبارزه خویش ادامه می‌دهند.

«دست فئودالها را گسوتاه کنید»

ما عدای از کشاورزان (حدود ۵۰ خانوار) روستای "گوراب تولم" از توابع شهرستان صومعه سرا نیز از این نعمت بزرگ انقلاب برخوردار شدیم و زمینهایی که سالیان سال بدون کشت و کار مانده و فئودالی بنام "هوشنگ معظمی لواسانی" مدعی مالکیت آن بوده از طرف شوروی واگذار زمین بین ما تقسیم شد. در سه سال گذشته تمامی این زمینها توسط روستائینی که زمین بینشان تقسیم شده بود، به زیر کشت توتون و برنج و صیفی برده شد. متأسفانه در سال ۵۸ که شورای واگذاری زمین در حال تقسیم زمین بود، فئودال مذکور با پارتی بازی زمین مورد بحث را به ثبوت رسانده است. اینک پس از سه سال که از کشت زمین توسط روستائیان محروم که ما حاصل

مهرشان چیزی جز فقر، فلاکت، بد نهیای بیمار خود و فرزندان چهره‌های سوخته و دست‌های چروکید و نیست و تنها و پشیمانان بعدا همه حیات، همین زمینهایی است که در اختیار دارند می‌گذرد آقای "معظمی" فئودال و خانوادهاش که ساکن تهران هستند به دروغ در سند جعلی و قلابی، خود را ساکن "گوراب تولم" قلمداد کرده. اینک پس از فرمان "آ" ماده "که همانند تمامی فرامین رهبر انقلاب موجب رحمت و عزت برای ملت سرفراز ایران است سو" استفاده نمود و با استفاده و بهره برداری از دست‌های پنهان و آشکاری که هنوز در ادارات دولتی وجود دارند شکایت به دادگستری برده و باکمال تأسف دادگستری جمهوری اسلامی تانکون برای پیش از ۲۰ خانوار از ۵۰ خانوار اخطاریه صادر کرده و متهمین را به پای میز محاکمه کشیده است.

"ما به تأسف است که عدای از این فرمان رحمت آفرین سو" استفاده می‌کنند ما کشاورزان به جمله رهبر انقلاب که فرمودند (به کشاورزان بگوئید که ما نه طرفدار سرمایه دار هستیم و نه طرفدار فئودال) تنگ می‌جوئیم و تناقض داریم که این گستاخان (فئودالها) که جسرات دهن کجی به دست آورد های عظیم انقلاب



اسلامی و خون شهدا پدا کرد مانند به سر جای خود پنهانند و حق ما را پستانند. والسلام- ایضا" و اثر انگشت اهالی

زبان گویای دهقانان

کیهان مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ ه نامه ای از اهالی برخوار از روستاهای استان اصفهان چاپ کرده است. اهالی این روستا که "امضاهای خود را زیر این نامه ها گذاشته‌اند" و با زبان و شیوه خود واقعیات امروز جامعه ما را ترسیم کرده اند. با توجه به اظهارات اخیر رهبران جمهوری اسلامی درباره اینکه "عدای می‌گویند برای استضعفین کاری نشده و این تضعیف جمهوری اسلامی است" خواندن کل این نامه را که ما عیناً همانطور که کیهان چاپ کرده بود، در اینجا آورد ایم. همه خوانندگان "راه توده" توصیه می‌کنیم. دهقانان روستای برخوار به شیوه خود به این اظهارات جواب دادند. هرگونه تفسیر را به خود خوانندگان عزیز "را توده" واگذار می‌کنیم.

استمداد اهالی برخوار از مسئولین

ما اهالی منطقه برخوار (استان اصفهان) عرض حال می‌کنیم و نگرانی خود را از آنجا که پیش آمده است ابراز و اعلام می‌داریم و از مسئولین جمهوری اسلامی ایران خصوصاً مسئولینی که بهرشی در سنگر راستین و اصل خط امام و انقلاب ایستادند و

مبارزه میکنند می‌خواهیم که با این مسائل برخورد کنند و اجازه ندهند که خدای نخواست دست‌آورد های انقلاب توسط ضد انقلاب بر باد رود و بر ماست که پاسدار واقعی خون تسلی شهدای انقلاب باشیم با توجه به مطالب بالاست که ما سئوال میکنیم آیا تفاوت صدام با خان و آمریکا چیست؟

مگر نه اینکه صدام آلت دست استکبار جهانی شده و در عمل دست ضایع کردن مردم ایران و عراق زد و بر این کار غیر انسانی اش اصرار می‌ورزد مگر آمریکا توسط اسنادش تسلی و سرمایه‌داران غارتگر نبود که قبل از انقلاب خون ما می‌کید و مگر برای همین بی‌عاشقها و اعمال زور از طریق همینها نبود که ما انقلاب کردیم و هزاران شهید و معلول دادیم پس چرا الان دوباره خانها از جمله برومنداها طرفدار می‌گردند بر گشتن برومنداها میدان دادن به آنها مگر این نیست که در مقابل صدام و سداسیان تقویت میشوند مگر نه آمریکا حضورش دوباره لمس میشود و از سئوال میکنیم که در این مقطع حساس انقلاب باطل اصلی جنگ بدوش خوانین و سرمایه‌داران و مستکبران غارتگر است یا بر دوش کوخ نشینان؟ که حتی زینتالات همسرانشان نیز برای جبههها ارسال میدارند آیا فرزندان دهقانان الان در صف مقدم جبهه می‌روند یا فرزندان مالکان بزرگ و خوانها اصلاً اگر در تسمان جبههها به گریه یک چه شهید فئودالی یا خون با سرمایه‌دار پیدا نمیکند با وجود اینها آیا باید بفره دل ما رسیدگی شود یا بفره دل خوانین و فئودالها متأسفانه ما شاهد آن هستیم که بفره دل برومندا و خوانین ضد انقلاب رسمگی شده که فعلاً با چاقو تارن خود باز گشته‌اند و دهقانان را از روی زمینهای خود بیرون میکنند و باز سئوال میکنیم که بیروزیهای بی در بی انقلاب بفره امام عزیزمان خمینی بت شکن و حضور مردم در صحنه نبود؟ الان نیز آیا باز گذاشتن دست برومنداها برای اعمال ضد انقلابی تقویت حضور مردم در صحنه است؟ یا تضعیف حضور مردم در صحنه مسلم است. مورد دوم صدق میکند و باز سئوال میکنیم که وظیفه هر مسلمان راستینی نیست که از خون شهدا پاسداری کند و آیا پاسداری از خون شهدا مگر مبارزه با ظلم و استقرار عدالت اسلامی نیست آیا خوانین منشاء ظلم نبوده یا نیستند پس چه دستهایی در کار بود که اجازه دادند که آنها روی خون شهدا قدم بزنند و در منطقه حضور پیدا کنند و توسط چاقو تارنی چون خستهای رسوائی که در زمان انقلاب هم چاقو تارنی ساواک بودند و به ضرب و جرح مردم و دهقانان میرسانند ایستادگی که ما نگران شما هم از مسئولین محترم دولت می‌خواهیم و از دیگر رهبران صدیق و بیرو خط امام باری می‌طلبیم که هر چه زودتر پداد ما بفرستند و جلو این خوانین مرتجع و زورگو را بگیرند و السلام.

امضاء شده از طرف اهالی

حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۶

شعارهای عدالت جویانه انقلاب هستند و لذا سیاست "کجی‌ها و بدیها" را که دیگر شیوه حکومت آقایان شده است نمی‌پذیرند. آقای رئیس‌جمهور به وجود این افراد معترف است، ولی برخلاف "ولی نعمتانش" که قصد قلع و قمع فوری آنها را دارند، و حمله به حزب ما پیش در آمد آنست، به آنان می‌آموزد که میتوان این افراد را در زیر یک سقف جمع کرد، زیرا اینکار مزایایی نیز دارد: "جبهه ما را اینها پر کرد هاند"، بلی باین خاطر بایستی آنها را زیر چتر حزب فراگیر کرد آورد.

همانطور که شاه و اعوان و نصاراش نتوانستند در حزب رستاخیزشان گرگ و میش را در صلح و آشتی کنار یکدیگر ببینند، حزب جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست کاخ نشینان و کوچ نشینان را و مدافعین این دو شیوه متضاد هستی اجتماعی را آشتی بدهد. و از هم اکنون با اطمینان می‌توان گفت حزب جمهوری اسلامی مأمون و مکمن کلان سرمایه‌داران، کلان زمین‌داران، حجتیه‌بها و تسلیم شدگان به آنها می‌باشد. ما باز هم بیشتر درباره این حزب صحبت خواهیم کرد.

"گوبلز" تبلیغات جمهوری اسلامی ایران کیست؟

حمله سرتاسری و وحشیانه عمال ارتجاع سیاه به حزب توده ایران و دست زدن به شیوه های کثیف تبلیغاتی در کنار آن ، تمام کسانی را که به تاریخ جهان آشنائی دارند ، به یاد دوران سید میاندازد که نه تنها يك ملت بلکه میرفت بسیاری از خلقها را به ورطه اسارت و نابودی سوق دهند حزب توده ایران بارها مورد هجوم مخالفان رنگارنگ استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما قرار گرفته است . بارها عنان تبلیغات شدید ضد تودهای را رها ساختماند تا آنها در میان خلق منزوی بمانند . اما اینبار عمال کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران از گذشته درس عبرت گرفته اند . تجربه آموختماند . از جمله تجربه "طاعون قهوه‌های" در آلمان نازی . سرکوب شدید و سریع وهزمان با آن دست زدن به تبلیغات

تبلیغات دروغینی که هرچه وسیعتر باشد و دروغ هایش هر چه گند تره باور آن آسانتر . شعارشک هم اینست که حتی اگر گوشهای از دروغ نیز توسط مردم باور شود کافی است . شیوه همانست . آنهاست که کمونیستها و دمکراتهای آلمانی را سرکوب میکردند چنین عمل میکردند . حمله گسترده و سریع و هم زمان به همه کسانی که قبلا شناسائی شد بودند و از طرف دیگر سخنرانی های "گوبلز" وزیر تبلیغات درباره "خطر" این دگر اندیشان . هدف ما این نیست که شیوه های سرکوب و تبلیغات چاشنی سرکوبی را که نازی ها علیه کمونیستها ی آلمانی اعمال میکردند بررسی کنیم . هدف ما این هم نیست که نشان دهیم چه وجه تشابهی میان شیوه عمل واحد های گشتی که تودهای "شکار" می کنند و واحدهای ضربت نازی ها وجود دارد .

هدف ما این نیست که بگوئیم تبلیغات کنونی علیه حزب که لحظهای خاموشی ندارد ، سرچشمه اش ۵۵ سال پیشی فوران کرد . همه اینها برای هر انسان آزاد مای روشن است . منظور اینست که بهر سیمه در کنار "فردوست" های سرکوبگر و "اطلاعاتی" گندام "گوبلز" تبلیغاتسی این هجوم ناجوانمردانه را رهبری میکند . شیوه عمل آنقدر مودبانانه ، ماهرانه و هدفمند است که از افرادی که زندگی خود را در "حجره های حوزوه" علمیه گذرانده باشند ، چنین مهارتی بعید به نظر میرسد . آنهاست که سالها از تبلیغ انقلاب در میان مردم و افکار عمومی جهان عاجز ماندند و اعمال خود سیمای کزبسی از آن نشان دادند ، اکنون با به خدمت گرفتن "جعفریان" ها سعی دارند ، حزب تودهای ما را "خائن" به منافع ملی ایران معرفی کنند . عدمای پا را حتی فراتر گذاشته و از ته دل آه بر میاورند که حزب توده ایران به شاه نیز خیانت میکرد ، است .

روشن است که بپارزه خستگی ناپذیر و ایثارگرا نه حزب ما علیه دستگاه اختناق آریامهری در قاموس سرکوبگران کنونی آن "خیانت" قلمداد شود .

روشن است که مبارزه حزب ما برای تأمین حقوق زحمتکشان و پیشبرد اهداف عالی انقلاب "خیانت" البته به منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران تعلق شود .

روشن است که افشای چهره امپریالیسم آمریکا و متحدان رنگارنگش و کوشش برای بریدن قطعی پاهای آن از ایران "خیانت" به منافع ملی تلقی شود . البته از طرف کسانی که میهن و ملتشان در چمدان پول و حساب بانکی خلاصه میشود .

وقتی که ما میگوئیم اینهمه تبلیغات سو و بوق و کرنا علیه حزب توده ایران نه اصیل است و نه بدیع و حرف دور از واقعیتی نزد مایم . شیوه های سرکوب و تبلیغات چاشنی آن "پدر" خود را از دور لسو میدهند . تنها باید منتظر ماند که این بقولبسی چهره های "سیا" مومریزانان "گننام" ، نامسدار شوند .

اما باید يك چیز را گفت . حزب توده ایران دیگر دوران بلوغ و جوانی خود را نمیگذراند . نهالسی نیست که ریشه هایش هنوز قوام نیافته باشد . حزب تودهای ما سرور تنومند ی است که ریشه در توده زحمت دارد و این ریشه آنقدر عمیق فرورفتود رقلوب و افکار مردم میهن ما پیوند خورده است که منسروکوتی آن ممکن است و نه بدنام کردن آن . سیمک آن آنقدر تابناک است که هیچ لجنی با هر قوتی هم که بسویش پرتاب شود قادر به پوشاندن آن نیست . اگر خود گوبلز را نیز به خدمت گیرند ، همانطور که اسلافشان به هدف خود دست نیافتند ، اینها نیز نخواهند رسید . فقط باید منتظر ماند و دید که گوبلز ایران کیست . انتظار طولانی نخواهد بود . ما مطمئیم!

یک ساواکی انتقام می گیرد

به صورت ریز و مینیا توری چاپ و بطور وسیع در ایران پخش شد ، خشم رژیم شاه و ساواکی هسای چنایکتاری که چهره های "سیا" وار خود را در آن منعکس می دیدند ، برانگیخت .

این کتاب فقط مقاومت حماسای اسیران تودهای را تشریح نمی کند ، بلکه به توصیف وضع همه اسیران ، از جمله اسیران مذ هبی نیز می پردازد . لذا انتقامی که امروز در روزنامه کیهان از این کتاب علیه رژیم شاه - ونه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران - ماز نویسنده آن گرفته می شود ، انتقامی نیست ، که يك مسلمان صادق و مبارز ، اما گمراه بتواند بگیرد ، بلکه آنچه که نوشته شده است ، می تواند فقط از دماغ يك ساواکی برخاسته باشد ، که در زمان رژیم شاه نیز از انتشار " میهمان این آقایان " وضعف خود در جلو گیری از انتشار آن رنج برده است .

این انتقام تبهکاران "سیا" چهره گمنام و بانامی است ، که در تمام ارگانهای جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده اند و انقلاب را به شکست می کشانند .

در عین حال این انتقام سند تاریخی ای نیز هست علیه آن مسلمانان صادقی ، که روزی در جوار دیگر شخصیت های این کتاب در همین زندانهای شاه ساخته جمهوری اسلامی ایران اسیر بودند ، و اکنون اسیر آزاد همان عناصر ساواکی شده اند . اسیرانی ، که به دست آنها رژیم سیاه سرمایه داری وابسته ، که از دراننده شده بود ، از پنجره باز می گورد !

يك ساواکی در روزنامه کیهان ، خود را افشا می کند . مقاله " معنای جاسوسی و اختلاف نام ها " در روزنامه کیهان ۱۳ اردیبهشت ۶۲ شاهدی است بر نفوذ ساواکی ها - که به زبان عربی نیز خوب وارد هستند - در چند روزنامه مجاز ایران . در این شماره روزنامه کیهان ، ساواکی "سیا" چهره گننامی از کتاب " میهمان این آقایان " نویسنده آن انتقام می گیرد و از طریق این " بسی - احتیاطی " منشاء ساواکی خود را افشای کند . " میهمان این آقایان " ، کتابی است که محمود اعتمادزاده (به آذین) در زمان رژیم شاه خائن نوشت و با قبول خطر جان برای خود ، آنرا انتشار داد . وی در این کتاب جریان دستگیری و زندانی شدن خود را در سیا هجا - لهای رژیم شاه ، در جوار رفقای تودهای دیگر مبارزان رژیم شاه ، از جمله مسلمانان مبارز ترسیم می کند . این کتاب که در زمان رژیم شاه ، چسه در داخل ایران و چه در خارج از کشور به طور وسیع پخش شد ، پرده از روی جنایات رژیم شاه در زندانهای آن برداشت و از جمله کک کرد به موج همبستگی بین المللی با اسیران رژیم شاه از جمله نتایج افشاکاری این کتاب مسافرت گروههای بین المللی به زندانهای رژیم شاه بود . از این طریق بند های به دست رژیم سلطنتی ساواک در اعمال فشار و تضییق بیشتر علیه اسیران خ زده شد .

این کتاب که علیرغم حضور ساواک در همه جا

نامه خوانندگان

رفیق جوان تودهای در نامه‌ای می‌نویسد:

رفقا! اولین باریست که احتیاج قلم برگرفتن و نوشتن را احساس میکنم. اولین باریست که شعر میگویم.

صحنه‌هایی از به اصطلاح "اقرار" رفیق کیانوری را در تلویزیون دیدم مردم و زنده شدم. تمام شکنجه‌هایی را که رفیق کشیده مجسم کردم. انگار من را شکنجه کرده‌اند. تمام شب چشم برهم نگذاشتم. هر لحظه بیداری، قطره‌ای بود که بر دایم اعتماد به رفیق کیانوری اضافه میشد. و وقتی فکر میکنم که یکی از مقاصد شوم امپریالیسم در این صحنه سازی، لجن پراکنسی مجدد بر رفقای کمیته مرکزی، بخصوص رفیق کیانوری است، در دم تازه میشود. فکر اینکه دوباره کلماتی مثل خائن و جاسوس و دیگر کلمات امپریالیسم و ساواک ساخته، و زردیان هر مسلمانی آمریکائی شده و از راه رسیده یا هر ساواکی و ضد انقلاب وابسته شود، مرا شکنجه میدهد. باید دردم را با شما در میان میگذاشتم. این شعر را به رفیق کیانوری هدیه میکنم. با تمام وجود امیدوارم که روزی آن را بخواند.

قله اعتماد

کیا جان دوست دارم احساس در دلم جوشان است دلم را بریز کردند خوشحالند، میخندند ولی، با تو چه ها کردند؟ با تو ای گنجینه من با هر تار و پودم در هر لحظه وجودم، با تو ام با تو ام ای قله اعتماد.

سوم مه ۱۹۸۳

رفیق علی م. در نامه‌ای به ما ضمن ابراز نگرانی از سیر قهرقوای جمهوری اسلامی و خطر ناشی از آن برای تداوم انقلاب و ابراز تأسف از دستگیریه‌ها و شکنجه‌های رهبران و اعضای حزب، به افشای آنهایی میردازد که دانسته تیشه به ریشه انقلاب خونین مردم می‌زنند.

یک افغانی مسلمان مقیم آلمان فدرال، در نامه‌ای به "راه توده"، ضمن خیر ارسال نامه ای از سوی خویش به رهبری جمهوری اسلامی و ابراز نگرانی از تحولات منفی اخیر از جمله می-نویسد:

"تا بحال سیر تکامل انقلاب ایران را بی علاقمندی خاصی تعقیب کرده‌ام. متأسفانه تحولات اخیر در ایران باعث نگرانی بیحد من شده و ترس و وحشت در من ایجاد کرده است که

این گوی و این میدان!

برای اثبات حقانیت حزب توده ایران به دادگاه می‌آیم

در کشورهای سرمایه داری، همراه اصل شناسا- نامه و پاسپورت و مدارک تحصیلی و ده قطعه عکس و صد برگ فتوکپی آنها، و وصیت نامه سیاسی خود، با دلی پسر کینه از دشمنان انقلاب خلعمان به دادگاه می‌آیم. البته همراهی این هیئت بیطرف با ما نه بخاطر ترس از مرگ است (زیرا وصیت نامه ما ضمیمه مدارک میباشد) بلکه ما میدانیم، همچنانکه دوبار برای دستگیری بعضی از رفقای شهید مان بخانه آنها رفته‌اید دوبار هم به استقبال ما خواهید آمد و سوری به اسرار جنایت بارتان افزود خواهد شد- ترس ما بخاطر نابودی حقیقت، بخاطر نابودی شرافت و انسانیت و بخاطر نابودی انقلاب خونبارمان میباشد. اگر حساب مقامات ذیصلاح جمهوری اسلامی پاک است، اعلام موافقت کنند. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!

ما عده‌ای از هواداران حزب توده ایران برای اثبات حقانیت حزب توده ایران، برای اینکه نگذاریم اسرار جنایت هولناک علیه رهبران حزبمان همراه جاسوسان بخاک سپرده شود، برای محکوم کردن عهد شکنی‌ها و خیانت به رسم وفاداری، و خنجر از پشت زدن آنها، برای نجات انقلاب از چنگال دشمنان، برای مبارزه بخاطر خلعمان و برای روشننگری از توهمات احتمالی آنها به ایران می‌آیم. البته نه از طریق کوه‌ها و گردنه‌ها و اجرای عطیات قهرمان یازی، بلکه بخاطر جامه عمل پوشاندن به آرزوها و اجسرای وصیت نامه سیاسی رفیق کیرمان و دبیر اول محبوبمان، رفیق نورالدین کیانوری، به دادگاه می‌آیم. ما حاضر هستیم که در ظرف ۲۴ ساعت همراه هیئتهائی از کشورهای بیطرف و غیر متعهد مانند: هندوستان، الجزایر، سوریه، لیبی، کوبا، نیکاراگوئه و نمایندگان از طرف احزاب برادر

مبادا انقلاب و دستاورد های آن که طبعاً محصل تکامل قانونمند جامعه ایران و باریختن خون پاک دهها هزار جوان و ظنهرست ایران بدست آمده است، یکباره هیچ شود و برآیند خلق ایران دو- باره ابر سیاه و تاریک ارتجاع سایه بیاکنند؟! "

غد های از هواداران حزب در نامه‌ای خطاب به زحمتکشان می‌نویسد:

" چه شده است که ساواکی‌های فسارای، خانواده منفور پهلوی، بنی‌صدر خائن و بختیار و رجوی فراری و رادوی باصطلاح وطن و سازما نهی جاسوسی سیا و موساد و اینتلیجنت سر- ویس و سرمایه‌داران و طرفداران آنها در ایران به شادی و خوشنودی و پایکوبی برخاسته‌اند و مجالس جشن پیا می‌کنند و بیکدیگر تبریک می‌گویند؟ چه شده است که نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان که جمهوری اسلامی را در مبارزه علیه استثمار و وابستگی در کنار خود میدیدند نگران آیند به جمهوری اسلامی؟ آیا غیر از این است که حزب توده ایران هدف شدیدی ترین حملات ناجوانمردانه قرار گرفته و رهبری حزب در خطر مرگ قرار دارد؟ آیا غیر از آنست که عده‌ای آنقدر شوروی را مطرح کردند که آمریکا بطور کلی منسی شده است! خیره‌غیر از این در ایران واقعه‌ای رخ نداده است. شادی آنان و نگرانی اینان نیز کاملاً قانونمند بوده و تاریخ نهضت کفونستی جهان این حقیقت را تأیید می‌کند."

در ادامه نامه، پس از تشبیه اتهام کهنسه "جاسوسی" به پیراهنی که ضد انقلاب می- خواهد به تن انقلابیون بکند، میخوانیم: " ولی این پیراهن آنقدر سوراخ دار و کهنه است که به تن این جهان مردان نمی‌ماند و لایق تن خود دوزندگان آن می‌باشد."

رفیقی ضمن ارسال قسمتی از یک قطعه شعرو آن مقدار که در حافظه‌اش مانده است، که ۳۵

سال پیش پس از "انحلال" شاهانه حزب توده ایران و اعلام "غیر قانونی بودن آن" توسط یکی از شعرا ی آن عصر سروده شده، می‌نویسد این دو مین بار است که ارتجاع حزب طبقه کارگر ایران را "منحل" و "غیر قانونی" اعلام می- کند، بار اول توسط منوچهر اقبال در سال ۱۳۲۷ و بار دوم توسط دادستان جمهوری اسلامی مو- سوی تبریزی در سال ۱۳۶۲.

غیر قانونی

- غیر قانونی است پتک کارگر
- غیر قانونی است دامن پرزگر
- غیر قانونی است حزب توده‌های رنجبر
- غیر قانونی توتی و کارتوست
- غیر قانونی سربل بار توست
- غیر قانونی نشان و تاجهاست
- کزره ملت همی راهش جداست
- آنچه قانونی است راه حزب ماست
- حزب توده حزب انسان پرور است
- حزب انسانهای بیدار و نوین

شوخی نیست...

چند روز پیش با یکی از دوستان قدیمی که سنگ گروه‌های چپ رو را به سینه می‌زند گفتگویی داشتیم. بمن می‌گفت: "ببین دوست عزیز، ما از دو سال پیش می- گفتیم این حکومت علیه مردم است، اما شما و امثال شما بحر ما گوش نکردید، این هم عاقبتان، ما که انقلابی بودیم از همان اول حرفمان را زدیم" باو گفتم: "پس از این قرار سیا و ساواک و اویسی و بختیار و آریانا و ... از همه ما انقلابی تر بودند و ما نمی‌دانستیم! چون آنها از چهار سال پیش جلوتر از من و شما علیه این حکومت برخاسته بودند!"



همکاری استراتژیک ترکیه و عراق

در هفته گذشته خبرگزاریها خبری پایسن مضمون که ارتش ترکیه در مرز عراق با کردهای ترکیه برخورد نظامی داشته و در تعقیب آنها تا ۸۰ کیلومتر در خاک عراق نفوذ کرده است، منتشر کردند. تقارن زمانی این عملیات، که قربانیان آن با احتمال قوی کمونیستها و دموکراتهای عراق بود، با حمله ضد انقلابیون و بعضی های عراق به کمونیست ها را جز بمعنای همکاری این دو رژیم برای سرکوب نیروهای دموکراتیک عراق که عدالت در کردستان مستقر هستند، نمی توان تفسیر کرد.

همچنین باید به این نکته توجه کرد، که امیر-یالیسم آمریکا از طریق ترکیه، کشور همسایه عراق را ریز به ریز بیشتر به حیطة عملیات استراتژیک خود در منطقه میکشاند.

همکاری و نزدیکی ایران با ترکیه و انعقاد قرارداد های اقتصادی وسیع با ترکیه کودتا زد،

اتحاد شوروی بیکار نخواهد ماند

خبرگزاری تا سو روزنامه پراودا، اعلامیه دولت اتحاد شوروی را منتشر ساختند که در آن به دولت آمریکا هشدار داده است که دیگر مذاکرات خلیج سلاح در ژنورا به منظور حتی ساختن مسئله استقرار موشکهای میانبرد در خاک کشورهای اروپای غربی، به درازا نکشاند. در این اعلامیه آمده است: اتحاد شوروی ضروری میسازد تا مجدداً هشدار دهد که اگر موافقت نامهای در باره محدود ساختن سلاحهای اتمی در اروپا، که باید مسئله استقرار موشکهای جدید آمریکایی در اروپای غربی را منتفی سازد، منعقد نگردد، چیزی که تهدید جدید دیگری برای امنیت اتحاد شوروی و هم پیمانانش بشمار میآید، اتحاد شوروی در این عرصه نیز اقدامات عملی را انجام خواهد داد.

تصمیم آمریکا و ناتو مبنی بر استقرار موشکهای جدید آمریکایی در اروپا، اتحاد شوروی را مجبور میسازد تا تصمیم سال قبل خود مبنی بر خودداری بسک جانبه از استقرار موشکهای میانبرد در بخش های

اروپایی خاک خود را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

چنانکه در اعلامیه گفته شده است باید همراه دیگر کشورهای عضو پیمان و شوگا مهای علسی برای استقرار سلاحهای مذکور در نظر گرفته شود تا توازن در مقابل تجمع سلاحهای آمریکایی در اروپای غربی برقرار شود. و دیگر باید در رابطه با خاک آمریکا نیز اقدامات متقابل عملی کردند. در اعلامیه گفته شده است که آمریکا در تمام مذاکرات پیرامون خلیج سلاح از سیاستی مخرب پیروی میکند. در این اعلامیه در باره "پیشنهادات" آمریکا آمده است که مخصوصاً پیشنهاداتی ارائه میشوند که غیر قابل قبول بودن آن برای اتحاد شوروی از قبل روشن است. اینکار فقط برای این انجام می شود تا راه حلهایی که برپایه اصول برابری و امنیت متقابل پی ریزی شده باشند جستجو نشود.

مصادره ضد انقلابی

روزنامه اوپانیت، ضمن چاپ خبر تصمیم دولت برزیل به مصادره محموله سلاحهای اهدایی لیبی به نیکاراگوئه که بوسیله چهار هواپیما از آسمان آن کشور عبور میکرد مانده به نقل از کنسلر غذای رهبر لیبی می نویسد:

"لیبی حمایت خودیش را از خلق نیکاراگوئه و سایر خلقهایی که برای آزادی، صلح و پیشرفت مبارزه می کنند اعلام می دارد."

بیانیه مطبوعاتی حزب کمونیست عراق

ود مکراتیک و گرفتن خرید مختاری واقعی بسیاری کردستان عراق پیدار کنند.

حزب کمونیست عراق
۱۱ ماه مه ۱۹۸۲

خ جبهه دمکراتیک میهنی در اواخر سال ۱۹۸۰ تشکیل گردید. این جبهه شامل حزب کمونیست عراق، حزب دمکرات کردستان عراق، حزب سوسیالیست کردستان و حزب سوسیالیستی کرد است.

بقیه از صفحه ۱
است و اعلام کرده که مشغول تجهیز نیروهای خود برای زدن ضربه سختی به همکاری و سازشکاران با رژیم بعثی است. در این اعلامیه از اعضا و هواداران این سازمان خیانتکار (گروه جلال ظالبانی) خواسته شده است که این سازمان را ترک گفته و به صفوف نیروهای جبهه دمکراتیک میهنی پیوسته و در راه سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی و تشکیل یک دولت انقلابی

موج پشتیبانی بین المللی از حزب

داشت رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول و کارها و اعضای حزب توده ایران، بدرج مطالبی در این مورد اختصاص داده و ضمن چاپ عکسی از رفیق کیانوری، بیانیهای را که به امضای بیش از ۷۰ حزب کمونیست و کارگری رسیده انتشار داده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیای متحد و کمیته ملی جنبش کمونیستی استانبول کاتالونیا در اسپانیا، با ارسال نامه های اعتراضی به سفارت و دولت ایران، مراتب اعتراض شدید اعضای حزب و جنبش را نسبت بسه دستگیری و ایراد فشار به رهبری و اعضایی حزب توده ایران اعلام داشته و با افسوسه پاپین مطلب که اهالی جنبش وحشیانه تنها آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران می ریزد، آزادی فوری آنان را خواستار گردید.

بقیه از صفحه ۱۰
قطع پلاک رنگ شکجهای اعمال شده در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران، موافقت با اعزام هیاتی مرکب از پزشکان، حقوقدانان و خبرنگاران، بمنظور ملاقات با نورالدین کیانوری و سایر زندانیان تودهای در زندان.

رفقای حزب کمونیست یونان، به هیأت نما-یندگی حزب توده ایران اطمینان دادند که کمونیستها و کارگران یونان، همچنان همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه اعضای حزب توده ایران در این مرحله حساس حفظ خواهند نمود.

نشریه "اتحاد و مبارزه" متعلق به حزب کمونیست کارگری اسپانیا صفحه همبستگی بین المللی شماره آوریل - مه خود را به مناسبت باز-

کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در
استکھلم
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند

رفیقی از بن ۵۰۰ مارك كك مالی برای
چاپ "راه توده"
واله ۴۰۰
م ۱۰۰۰

RAHE TUDEH

No. 44

Friday, 3 June 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 36 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

راه
توده